

آیا پیامبر و امیر مؤمنان (علیهما السلام) همانند شیعیان در وضو مسح می‌کشیدند؟

سؤال کننده: جابر حسینی

توضیح سؤال:

یکی از موارد اختلاف میان شیعیان و اهل سنت کیفیت وضو گرفتن است؛ مثل مسح کردن پا و یا شستن آن. می‌خواستم این مسأله را روشن کنید که پیامبر اسلام و امیر مؤمنان علیهما السلام، همانند شیعه وضو می‌گرفتند یا به روش اهل سنت؟ اگر روایات صحیح اهل سنت را بررسی کنید ممنون می‌شویم تا این مسأله برای جوانانی همانند بنده، روشن شود.

پاسخ اجمالی:

آیه‌ی وضو که در قرآن کریم به صورت بسیار روشن اعمال وضو را بیان کرده است و طبق آن، صورت و دستها شسته می‌شود، و سر و پاها مسح می‌گردد.

برخی علمای اهل سنت همانند ابن حزم، تصریح کرده‌اند که حکم قرآن مسح است و ذیل این آیه روش بزرگان صحابه از جمله امیرمؤمنان علیه السلام، ابن عباس و برخی دیگر را نقل کرده که قائل به مسح بوده است.

از دیدگاه روایات نیز در منابع اهل سنت از جمله مسند احمد بن حنبل، مصنف ابن ابی شیبه و سنن ابن ماجه و دیگر منابع معتبر آنها روایات صحیح ذکر شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان علیهما السلام، در هنگام وضو گرفتن سر و پاهای مبارکشان را مسح می‌کرده‌اند؛ بنابراین، وضوی شیعیان مطابق روش و سیره آن بزرگواران است.

این روایات توسط محققان و علمای اهل سنت تصحیح شده است.

برخی روایاتی که معارض این موضوع هستند، یا از نظر سند مشکل دارند و یا در مقام تعارض با قرآن و روایات صحیح و معتبری که ذکر می‌شود، تاب مقاومت ندارند و عملکرد خود صحابه نیز نشانگر بطلان این روایات معارض است.

پاسخ تفصیلی:

مقدمه:

«وضو» یکی از واجبات مهم اسلامی است که انجام فریضه‌ی نماز، بدون آن و یا بدل (تیمم) آن و یا غسل، صحیح

نبوده و مورد قبول خداوند متعال نیست.

خداوند متعال در قرآن کریم کیفیت وضو و غسل را چنین بیان کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِزِلَ عَلَيْهِ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده/۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا

مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی

از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو)

نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند

بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را بجا آورید!»

در کیفیت انجام وضو، میان مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد و یکی از موارد اختلاف، چگونگی مسح یا شستن پاها

است.

دیدگاه شیعیان بر اساس این آیه و روایات صحیح پیامبر و اهل بیت علیهم السلام این است که در وضو، پاها مسح

می‌شود؛ زیرا عامل کلمه‌ی «ارجلکم»، «فاغسلوا» است و کلمه‌ی «وَأَرْجُلَكُمْ» بر محل کلمه‌ی «رؤسکم» که محلاً منصوب

می‌باشد، عطف شده است؛ در این صورت معنای آیه چنین می‌شود :

«سر و پاهای تان را مسح کنید» و در نتیجه حکم سر و پاها، مسح کردن است.

از طرف دیگر، تعدادی از روایات صحیح شیعه که از پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصوم آن حضرت وارد شده، همین برداشت و نظریه‌ی شیعه را تأیید می‌کنند و بیانگر این نکته هستند که خود آن حضرات نیز به همین روش وضو می‌گرفته‌اند.

بنابراین، عمل شیعه طبق نظر قرآن و روش پیامبر و اهل بیت آن حضرت است. تعدادی از روایات اهل بیت علیهم السلام را که بر مسح پاها دلالت دارند، در فایل جدا به این آدرس تحقیق کردیم:

آیا طبق روایات شیعه، هنگام وضو پاها شسته می‌شود یا مسح می‌گردد؟

اما دیدگاه تعدادی اهل سنت (نه همه آنها) این است که پاها در وضو شسته می‌شود.

عمده دلیل آنها این است که در این آیه، کلمه «وارجلکم» مفعول برای کلمه «فاغسلوا» است که در جمله‌ی قبل از آن آمده است. یعنی آنها عامل «ارجلکم» را «فاغسلوا» می‌دانند، نه «وامسحوا» که در خود همان جمله است.

ابن حزم از علمای سرشناس اهل سنت، در پاسخ برداشت نادرست این عده می‌گوید:

مَسَّأَلَهُ وَأَمَّا قَوْلُنَا فِي الرَّجْلَيْنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْمَسْحِ

(وَأَمَسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ) (بره‌وسکم)) وَأَرْجُلِكُمْ) وَسَوَاءَ قَرِئَ (قَرِئَ) بِخَفْضِ اللَّامِ أَوْ بِفَتْحِهَا هِيَ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَطْفٌ عَلَى

الرُّؤُوسِ (الرءوس) إِمَّا عَلَى اللَّفْظِ وَإِمَّا عَلَى الْمَوْضِعِ لَا يَجُوزُ غَيْرَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُحَالَ بَيْنَ الْمَعْطُوفِ وَالْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ بِقَضِيَّةٍ

مُبْتَدَأَةٍ وَهَكَذَا جَاءَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ نَزَلَ الْقُرْآنُ بِالْمَسْحِ يَعْنِي فِي الرَّجْلَيْنِ فِي الْوُضُوءِ

وقد قال بالمسح على الرجلين جماعة من السلف منهم علي بن أبي طالب وابن عباس والحسن وعكرمة والشعبي وجماعة

وغيرهم (غيرهم) وهو قول الطبري .

اما سخن ما در حکم پاها این است که در قرآن مسح پاها نازل شده است [یعنی آنچه از قرآن به دست می‌آید،

این است که باید پاها را مسح کشید.]. کلمه «ارجلکم» چه این که لام آن مجرور باشد (ارجلکم) و چه با فتحه باشد

(ارجلکم)، در هر دو صورت عطف بر کلمه «رؤوس» است؛ این عطف یا به لفظ است یا بر محل [اگر به واژه رؤوس عطف

شود، از آنجایی که اعراب این کلمه مجرور است (رؤوسکم)، ارجلکم را نیز باید مجرور بخوانیم (ارجلکم) و اگر به محل

رؤوس عطف شود، از آنجایی که واژه «رؤوس» در جایگاه مفعول قرار دارد، و اعراب مفعول نیز منصوب است، ارجلکم را نیز

باید منصوب بخوانیم (ارجلکم)] و جز این صحیح نیست؛ زیرا جایز نیست که میان معطوف و معطوف علیه یک قضیه جدید مطرح شود. و از ابن عباس نیز این چنین نقل شده است که قرآن کریم حکم پاها را در وضو، مسح بیان کرده است. گروهی از پیشینیان همانند علی بن ابی طالب [علیه السلام]، ابن عباس، حسن بصری، عکرمه، شعبی و گروهی و غیر آنها، قائل به مسح پاها بوده اند و این قول طبری است.

الظاهری، علی بن أحمد بن سعید بن حزم أبو محمد (متوفای ۴۵۶هـ)، المحلی، ج ۲، ص ۵۶، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربي، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، طبق برنامه الجامع الكبير.

طبق روایات صحیحی که در منابع معتبر اهل سنت نقل شده، رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان و عده ای صحابه، همانند شیعه وضو می‌گرفته اند.

در این نوشتار، این روایات را همراه با اسکن کتاب ها به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:

الف: بررسی وضوی پیامبر صلی الله علیه وآله

سیره و روش رسول خدا صلی الله علیه وآله در وضو از طریق چندین نفر از صحابه نقل شده؛ ما در این جا جهت رعایت اختصار به ذکر چند طریق بسنده می‌کنم.

۱. روایت امیر مؤمنان علیه السلام: (سند صحیح)

احمد بن حنبل در کتاب «مسند» از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله روی

پای شان را مسح می‌کردند:

۷۳۷ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا وكيعٌ ثنا الأعمشُ عن أبي إسحاقَ عن عبد خَيْرٍ عن عَلِيٍّ رضي الله عنه قال كنت أرى ان

بَاطِنَ الْقَدَمَيْنِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِهِمَا حتى رأيت رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يمسح ظاهريهما.

«عبد خیر از علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: من گمان داشتم باطن (کف) پاها سزاوارتر به مسح

کردن از روی آن است، تا این که دیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله روی هر دو پا را مسح می‌کردند.»

الامام احمد بن حنبل، مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۹۵، تحقیق: شعيب الازنوط - عادل مرشد، مؤسسة الرسالة.

تصحیح روایت توسط محققان کتاب:

محققان این کتاب، «شعیب الارنؤط و عادل مرشد» در پاورقی این روایت تصحیح را کردند و متن عبارت چنین

است:

(۱) حدیث صحیح مجموع طرقة.

«یعنی این روایت با در نظر گرفتن همه طرقش صحیح است.»

المؤيدون عبد النبي

مُسْنَدُ

الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

مؤسسة الرسالة

مُسْنَدُ
الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

أَشْرَفَ عَلَى تَحْقِيقِهِ
الشيخ شعيب الأرنؤوط

حَقَّقَ فَنَدَا الْجَزْرَ وَفَرَّجَ أَحَادِيثَهُ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ
شُعَيْبُ الْأَرْنَؤُوطُ عَادِلٌ مُرْشِدٌ

الجزء الثاني

مؤسسة الرسالة

٧٣٧ - حدثنا وكيع، حدثنا الأعمش، عن أبي إسحاق، عن عبد خير

عن علي قال: كنت أرى أن باطن القدمين أحق بالمسح من ظاهرهما، حتى رأيت رسول الله ﷺ يمسح على ظاهرهما^(١).

(١) حديث صحيح بمجموع طرقه، والأعمش في حديث أبي إسحاق - وهو عمرو بن عبد الله السبيعي - كان مضطرباً، أشار إلى ذلك يحيى القطان كما في مقدمة «الجرح والتعديل» لابن أبي حاتم ص ٢٣٧، وقد أشار الدارقطني في «العلل» ٤/٤٤-٤٧ إلى الاختلاف في سند الحديث ومثته.

وأخرجه أبو داود (١٦٣)، والبيهقي ٢٩٢/١ من طريق يزيد بن عبد العزيز، والبزار (٧٨٨)، والدارقطني في «السنن» ١/١٩٩ من طريق حفص بن غياث، والبزار (٧٨٩) من طريق محاضر بن المورع، والنسائي في «الكبرى» (١١٩) من طريق عيسى بن يونس، أربعتهم عن الأعمش، بهذا الإسناد. قال أبو داود في روايته: «ما كنت أرى باطن القدمين إلا أحق بالغسل حتى رأيت رسول الله ﷺ يمسح على ظهر خفيه».

وأخرجه الدارقطني في «العلل» ٤/٤٧ من طريق سفيان الثوري، والبيهقي ٢٩٢/١ من طريق إبراهيم بن طهمان، كلاهما عن أبي إسحاق، به.

وأخرجه ابن أبي شيبة ١٩/١ عن وكيع، بهذا الإسناد. ولفظه عن علي قال: لو كان الدين بالرأي كان باطن القدمين أحق بالمسح من ظاهرهما، ولكن رأيت رسول الله ﷺ مسح ظاهرهما.

وأخرجه بهذا اللفظ ابن أبي شيبة ١/١٨١، وأبو داود (١٦٢) و(١٦٤)، والدارقطني ١/١٩٩، والبيهقي ٢٩٢/١، والبخاري (٢٣٩) من طريق حفص بن غياث، عن الأعمش، به. وأورد الحافظ ابن حجر في هذا الحديث من رواية أبي داود في «التلخيص الحبير» ١/١٦٠ وفي «بلوغ المرام» (٦٥)، فصحح إسناده في الأول، وحسنه في الثاني. وسيأتي الحديث برقم (٩١٧) و(٩١٨) و(١٠١٣) و(١٠١٤) و(١٠١٥) و(١٢٦٤).

وقوله: «باطن القدمين وظاهرهما»، إنما عنى به الخفين، فقد جاء مفسراً كذلك في بعض المصادر التي خرجت الحديث. وانظر «سنن البيهقي» ٢٩٢/١.

١٣٩

در کتاب «مصنف» ابن ابی شیبہ، روایت این گونه آمده است:

١٨٣ حدثنا وكيع عن أبي إسحاق عن عبد خير عن علي قال لو كان الدين برأي كان باطن القدمين أحق بالمسح

على ظاهرهما ولكن رأيت رسول الله صلي الله عليه وسلم مسح ظاهرهما.

«علي عليه السلام فرمود: اگر دين با رأي و نظر باشد، مسح كشيدين كف پاها سزاوارتر از مسح بر روي آن دو

است. ولي رسول خدا صلي الله عليه وآله را ديدم كه بر روي آن دو مسح مي كردند.»

ابن أبي شيبة، عبد الله بن محمد، مصنف ابن أبي شيبة، ج ١، ص ٢٥، تحقيق: حمد بن عبد الله الجمعه، محمد ابراهيم الحيدان، مكتبة

الرشد.

المصنف

للإمام الحافظ أبي بكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم
ابن أبي شيبة
١٥٩ - ٢٣٥ هـ

تقديم
فضيلة الشيخ ومرتبة عبد الله بن محمد

تحقيق
محمد بن إبراهيم اللحيان

المجلد الأول

الطهارة

مكتبة الرشيد
ناشر

۱۷۹ - حدثنا ابن عُليّة عن يونس عن الحسن، أنه كان يقول: «إنما هو المسح/ على القدمين»، وكان يقول: «يمسح ظاهرهما وباطنهما».

۱۸۰ - حدثنا ابن عُيينة عن عمرو^(۱) بن دينار عن عكرمة قال: «غسلتان ومسحتان».

۱۸۱ - حدثنا ابن عُليّة عن داود عن الشعبي قال: «إنما هو المسح على القدمين؛ ألا ترى أن ما كان عليه الغسل جعل عليه التيمم، وما كان عليه المسح أهمل فلم يجعل عليه التيمم!».

۱۸۲ - حدثنا إسماعيل بن عُليّة عن حميد قال: «كان أنس إذا مسح على قدميه بلّهما».

۱۸۳ - حدثنا وكيع عن الأعمش عن أبي إسحاق عن عبد خير عن علي قال: «لو كان الدين برأي؛ كان باطن القدمين أحق بالمسح من^(۲) ظاهرهما، ولكن رأيت رسول الله ﷺ مسح ظاهرهما».

۱۸۴ - حدثنا ابن عُليّة عن مالك بن مِعْوَل^(۳) عن زُبيد اليمامي^(۴) عن الشعبي قال: «نزل جبريل بالمسح على القدمين».

۱۸۵ - حدثنا وكيع عن إسماعيل عن الشعبي قال: «نزل جبريل بالمسح».

(۱) في (ط س) «عن عمر بن دينار» وهو خطأ.

(۲) في (ط س): «على».

(۳) في (ج): «معوذ» وهو خطأ.

(۴) في (ج) و(ط س) و(ط أ): «اليمامي» وهو خطأ.

۲. روایت ابن عباس: (سند صحیح)

نویسندهی «کتاب الفوائد»، از ابن عباس وضوی پیامبر صلی الله علیه وآله را چنین نقل کرده است:

۳۷۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ غَالِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الصَّمَدِ، قَالَ: ثنا وَرْقَاءُ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ، عَنِ ابْنِ

عَبَّاسٍ، قَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكُمْ بِوُضُوءِ النَّبِيِّ قَالَ: فَمَضْمَضَ مَرَّةً مَرَّةً، وَاسْتَنْشَقَ مَرَّةً مَرَّةً، وَغَسَلَ وَجْهَهُ مَرَّةً، وَيَدَيْهِ مَرَّةً، وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ.

«عطاء بن یسار نقل می‌کند که ابن عباس گفت: آیا برای شما از وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه وآله خبر

ندهم؟ ابن عباس گفت: پیامبر دو مرتبه با آب، دهانش را شست، دو مرتبه آب در بینی انداخت، یک مرتبه صورت و یک

مرتبه دستهایش را شست. آنگاه سر و پاهایش را مسح کرد.»

الشافعي، محمد بن عبد الله بن إبراهيم (متوفاي ۳۵۴هـ)، كتاب الفوائد (الغيلانيات)، ج ۴، ص ۳۶۴، تحقيق: حلمي كامل أسعد عبد

الهادي، دار النشر: دار ابن الجوزي - السعودية / الرياض، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م

تصحیح سند روایت توسط محقق:

محقق کتاب، در پاورقی سند روایت را صحیح می‌داند.

كِتَابُ الْفَوَائِدِ
الشَّهِيدِ ب

الْغِيَالِ الْبَيِّنَاتِ

تَأَلِيفُ

الْحَافِظِ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الشَّافِعِيِّ

(٢٦٠ - ٣٥٤هـ)

حَقَّقَهُ

حَامِي كَامِلٌ سَعْدُ عَبْدِ الرَّهْمَانِيِّ

قَدَّمَ لَهُ رَافِعَةُ وَعَلَى عَلَيْهِ

أَبُو عَبِيدَةَ مَشْهُورٌ بْنُ حَسَنٍ آلِ كَلْمَانَجٍ

المجلد الأول



دار ابن الجوزي

رسول الله متى الساعة؟ قال: «ما أعددت للساعة؟» قال: ما أعددت لها كبير صيام ولا صلاة ولا صدقة، ولكن أحب الله ورسوله قال: «فأنت مع من أحببت».

٣٧٧ - (حدثنا محمد قال حدثني عبد الصمد قال ثنا ورقاء) (١) عن منصور عن سالم عن كعب بن مرة قال: سئل النبي ﷺ أي الليل أسمع قال: «نصف الليل الآخر وصلاته مقبولة».

٣٧٨ - حدثني (١) محمد بن غالب قال حدثني عبد الصمد قال ثنا ورقاء عن زيد بن أسلم عن عطاء بن يسار عن ابن عباس قال: «ألا أحدثكم

= (ب) أخرجه أحمد (١٧٢/٣، ٢٠٨) من طريق شعبة، وأخرجه البخاري (١٠٧/٨) (الأحكام: القضاء والفتيا في الطريق)، ومسلم (٢٠٣٢/٤) (البر والصلة: المرء مع من أحب)، من طريق جرير كلاهما عن منصور به، وأخرجه البخاري (١١٣/٧) (الأدب: علامة حب الله عز وجل)، ومسلم (٢٠٣٢/٢) من طريق شعبة عن عمرو بن مرة عن سالم به.

٣٧٧ - (أ) في إسناده ورقاء عن منصور تقدم مراراً تابعه شعبة.

(ب) [أخرجه الشجري في «أماليه» (٢١٢/١) من طريق المصنف به. و] أخرجه أحمد (٢٣٤/٤) من طريق شعبة عن منصور به من حديث، وأخرجه في (٣٢١/٤) من طريق سفيان عن منصور عن سالم بن أبي الجعد عن رجل عن كعب بن مرة به من حديث.

٣٧٨ - (أ) حديث صحيح إسناده حسن رجاله ثقات عدا ورقاء وهو صدوق.

(ب) أخرجه أحمد (٢٣٣/١)، والبخاري (٤٧/١ - ٤٨) (الوضوء: الوضوء مرة مرة)، وأبو داود «عون المعبود» (٢٣٣/١)، والترمذي (٦٠/١)، وابن ماجه (١٤٣/١)، والنسائي (٦٢/١) كلهم في (الطهارة: باب الوضوء مرة مرة)، من طريق سفيان عن زيد بن أسلم به.

(١) ما بينهما ليس في (ب) وفيها «وبه عن منصور».

(٢) في (ب) حدثنا.

بوضوء النبي ﷺ قال: فمضمض مرة مرة ، واستنشق مرة مرة، وغسل وجهه مرة، ويديه مرة ومسح برأسه ورجليه».

٣٧٩- (حدثنا محمد بن غالب قال حدثني عبد الصمد^(١)) ثنا ورقاء عن أبي الزبير عن جابر قال: «نهى النبي ﷺ عن المحاقلة والمخابرة».

٣٨٠- (حدثني محمد بن غالب قال حدثني عبد الصمد^(٢)) ثنا ورقاء

٣٧٩ - (١) حديث صحيح إسناده حسن، وأبو الزبير صرح بالسمع عند مسلم.

(ب) أخرجه مسلم (١١٧٥/٣) (البيوع: النهي عن المحاقلة، والمزابنة وعن المخابرة)، وأبو داود (البيوع: باب في المخابرة)، والترمذي (٦٠٥/٣): (البيوع: ما جاء في المخابرة والمعاومة)، والنسائي (٢٩٦/٧) (البيوع: النهي عن بيع الثنيا حتى تعلم) من طريق أبوب عن أبي الزبير عن جابر: «نهى رسول الله ﷺ عن المحاقلة والمزابنة والمعاومة والمخابرة وعن الثنيا ورخص في العرايا».

وأخرجه مسلم (١١٧٤/٣)، والنسائي (٢٦٤/٧) (البيوع: بيع الثمر قبل أن يبدو صلاحه)، من طريق ابن جريج عن عطاء وأبي الزبير عن جابر - وعند مسلم أنهما سمعا جابر بن عبد الله «أن النبي ﷺ نهى عن المخابرة والمزابنة والمحاقلة وبيع الثمر حتى يطعم إلا العرايا» اهـ.

(ج) المحاقلة: هي بيع الحنطة في سنبها بحنطة صافية، قاله النووي في «شرحہ علی مسلم» (١٨٨/١٠)، وقال ابن الأثير: «المحاقلة مختلف فيها قيل: هي اكتراء الأرض بالحنطة، وقيل: هي المزارعة على نصيب معلوم كالثلث والربع ونحوهما، وقيل هي بيع الطعام في سنبه بالبر، وقيل: بيع الزرع قبل إدراكه» اهـ. «النهاية» (٤١٦/١) والمخابرة: هي المزارعة على نصيب معين كالثلث والربع وغيرهما كذا في «النهاية» (٧/٢)، وذكر النووي بين المخابرة والمزارعة فرقاً وهو «أنه في المزارعة يكون البذر من مالك الأرض، وفي المخابرة يكون البذر من العامل» اهـ. «شرح النووي على مسلم» (١٩٣/١٠)

(٣٨٠) هذا الحديث مكرر رقم (٣٦٨) بإسناده ومتمه فليراجع هناك.

(١) في (ب) وإسناده ثنا ورقاء لم يذكر ما بينهما.

(٢) في (ب) وبه ثنا ورقاء وهو هكذا إلى الحديث رقم (٣٨٥) نهت عليه هنا استغناء عن ذكره في كل موضع

٣٦٤

٣. رواية رفاعة بن رافع: (سند صحيح)

به نقل ابن ماجه، رفاعه بن رافع نيز کیفیت وضوي رسول خدا صلي الله عليه وآله را نقل کرده است:

٤٦٠ حدثنا محمد بن يحيى ثنا حجاج ثنا همام ثنا إسحاق بن عبد الله بن أبي طلحة حدثني علي بن يحيى بن خلاد عن أبيه عن عمه رفاعه بن رافع أنه كان جالساً عند النبي صلى الله عليه وسلم فقال إنها لا تتم صلاة لأحد حتى يسبغ الوضوء كما أمره الله تعالى يغسل وجهه ويديه إلى المرفقين ويمسح برأسه ورجليه إلى الكعبين.

«يحيى بن خلاد از عمويش رفاعه نقل کرده است که وي نزد رسول خدا صلي الله عليه وآله نشسته بود آن حضرت فرمود: نماز هيچ فردي كامل و صحيح نيست جز اين كه اعمال وضو را همانگونه كه خداوند متعال دستور داده، انجام دهد؛ صورتش را بشويد و دستهايش را نيز با آرنج ها بشويد، و سرش را مسح كند و پاهائيش را تا بر آمدگي پا مسح نمايد.»

القزويني، محمد بن يزيد أبو عبدالله (الوفاة: ٢٧٥ق) سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٢٩١، تحقيق: شعيب الارنؤط، عادل مرشد، محمد كامل، مؤسسة الرسالة.

تصحیح روایت

شعيب الارنؤط، محقق این کتاب، سند این روایت را در پاورقي تصحيح کرده است:

(١) اسناده صحيح.

السُّنَنُ

تصنيف

الإمام الحافظ أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجة القزويني

٢٠٩ - ٢٧٣ هـ

محققه وضبط نصه ، وفرض أمانيه ، وعلوه عليه

شعيب الأرنؤوط

عادل مرشد محمد كامل قره بلج

عبد اللطيف حرز الله

الجزء الأول

مؤسسة الرسالة

وَوَسَلَ رَجُلِيهِ -، فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: إِنَّ النَّاسَ أَبَوْا إِلَّا الْغَسْلَ، وَلَا أُجِدُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا الْمَسْحَ^(١).

٥٧- باب ما جاء في الوضوء على ما أمر الله تعالى

٤٥٩- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ جَامِعِ بْنِ شَدَّادٍ أَبِي صَخْرَةَ؛ قَالَ:

سَمِعْتُ حُمْرَانَ يُحَدِّثُ أَبَا بُرْدَةَ فِي الْمَسْجِدِ أَنَّهُ سَمِعَ عَثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ: «مَنْ أَتَمَّ الْوُضُوءَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ، فَالْصَّلَوَاتُ الْمَكْتُوبَاتُ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ»^(٢).

٤٦٠- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ، حَدَّثَنَا هَمَّامٌ، حَدَّثَنَا

إِسْحَاقُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَلَّادٍ، عَنْ أَبِيهِ

(١) إسناده ضعيف لضعف عبد الله بن محمد بن عقيل، والآية الكريمة بما ثبت بالقراءة فيها تحتمل المسح والغسل، ولكن الرسول ﷺ المبيِّن عن الله ما نزل إليه أوجب الغسل، فكان بيانه هو الفيصل في هذه المسألة. وأخرجه ضمن حديث الوضوء دون أثر ابن عباس أبو داود (١٢٦) من طريق بشر بن المفضل، عن ابن عقيل، به. وهو في «مسند أحمد» (٢٧٠١٥)، وفيه قول ابن عباس: ما أجد في كتاب الله إلا مسحتين وغسلتين.

وانظر ما قبله.

وسلف برقم (٣٩٠).

(٢) إسناده صحيح. حمران: هو ابن أبان مولى عثمان بن عفان.

وأخرجه مسلم (٢٣١)، والنسائي ٩١/١ من طريق أبي صخرَةَ جامع بن شداد، بهذا الإسناد.

وهو في «مسند أحمد» (٤٠٦)، و«صحيح ابن حبان» (١٠٤٣).

وانظر ما سلف برقم (٢٨٥).

عن عمه رفاعة بن رافع، أنه كان جالسا عند النبي ﷺ فقال: «إنها لا تتم صلاة لأحد حتى يُسبغ الوضوء كما أمره الله تعالى، يغسل وجهه ويديه إلى المرفقين، ويمسح برأسه ورجليه إلى الكعبين»^(١).

٥٨- باب ما جاء في النضح بعد الوضوء

٤٦١- حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، حدثنا محمد بن بشر، حدثنا زكريا ابن أبي زائدة، قال: قال منصور: حدثنا مجاهد

عن الحكم بن سفيان الثقفى: أنه رأى رسول الله ﷺ توضأ، ثم أخذ كفاً من ماء، فنضح به فرجه^(٢).

(١) إسناده صحيح. حجاج: هو ابن المنهال، وهمام: هو ابن يحيى العوذى. وأخرجه أبو داود (٨٥٨)، والنسائي ٢/٢٢٥-٢٢٦ من طريق همام بن يحيى العوذى، بهذا الإسناد.

وأخرجه أبو داود (٨٥٧) من طريق حماد بن سلمة، عن إسحاق بن عبد الله ابن أبي طلحة، عن علي بن يحيى بن خلاد، عن عمه رفاعة، ولم يذكر حماداً في إسناده يحيى بن خلاد والد علي.

وانظر تنمة الكلام على إسناده عند الحديث (١٨٩٩٥) من «مسند أحمد».

(٢) إسناده ضعيف لاضطرابه، وانظر تمام الكلام عليه في «مسند أحمد» عند الحديث (١٥٣٨٤).

وأخرجه أبو داود (١٦٦)، والنسائي ٨٦/١ من طريق سفيان الثوري، عن منصور بن المعتمر، عن مجاهد، عن سفيان بن الحكم أو الحكم بن سفيان.

وأخرجه النسائي ٨٦/١ من طريق عمار بن رزيق، عن منصور، عن مجاهد، عن الحكم بن سفيان.

وأخرجه أبو داود (١٦٨) من طريق زائدة بن قدامة، عن منصور، عن مجاهد، عن الحكم أو ابن الحكم، عن أبيه.

سُنَنُ ابْنِ مَاجَةَ

تَصْنِيفُ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدَ بْنَ يَزِيدَ الْقُرُوبِيِّ
الشَّهْرِبَرِيِّ (ابن ماجه)
(٢٩٠ - ٣٤٣ هـ)

حَكَمَ عَلَيْهِ أَعْرَابِيَّةٌ وَأَنَارَةٌ وَمَعْلَقٌ عَلَيْهِ

الْعَلَّامَةُ الْمُحَدِّثُ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ الدِّينِ الألباني

طَبِيعَةٌ مُمَيَّزَةٌ وَصَبِيحَةٌ نَضْرًا، مَعَ تَمَيُّزِ
زِيَارَاتِ أَبِي العَسنِ القَطَانِ، وَوَضْعِ الحَكَمِ عَلَى الأَعْرَابِ وَالْأَنَارِ،
وَفَهْرَسْتِ الأَطْرَافِ وَالْكِتَابِ وَالْأَبْوَابِ

اِعْتَقَدَ بِهِ

أَبُو عُبَيْدَةَ مَشْهُورٌ مِنْ حَسَنِ آلِ مَسْعُودٍ

مَكْتَبَةُ العَرَفِ لِلنَّشْرِ وَالتَّوْزِيعِ
يُصَاحِبُهَا سَعْدُ بْنُ عَمْرٍو الرَّحْمَنُ الرَّاشِدُ
الدریاض

مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ الدِّينِ
الألباني

سُنَنُ
ابن ماجه

مَكْتَبَةُ العَرَفِ
لِلنَّشْرِ وَالتَّوْزِيعِ

سُنَنُ ابْنِ مَاجَةَ

تَصْنِيفُ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ الْقُرْظَوِيُّ
الشَّهْرِبَرِيُّ (ابْنُ مَاجَةَ)
(٢٠٩ - ٢٧٣ هـ)

حَكَمَ عَلَى أَحَادِيثِهِ وَأَثَرِهِ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ

الْعَلَّامَةُ الْحَدِيثُ مُحَمَّدُ نَاصِرُ الدِّينِ الأَلْبَانِيُّ

طَبَعَةٌ مُمَيَّزَةٌ بِضَبْطِ نَصْرِهَا، مَعَ تَمْيِيزِ
زِيَادَاتِ أَبِي الْحَسَنِ الْقَطَّانِ، وَوَضْعِ الْحَاكِمِ عَلَى الْأَحَادِيثِ وَالْآثَارِ،
وَفُضِّلَتْ الْأَطْرَافُ وَالْكَتَبُ وَالْأَبْوَابُ

اعْتَنَى بِهِ

أَبُو عَبِيدَةَ مَشْهُورُ بْنُ حَسَنِ آلِ سَلْمَانَ

مَكْتَبَةُ الْمَعَارِفِ لِلنَّشْرِ وَالتَّوْرِيعِ
يُصَاحِبُهَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّاشِدِ
الرِّيَاضِ

قال: رأيتُ علياً تَوْضُأً فغسلَ قدميه إلى الكعبينِ ثمَّ قال: أردتُ أن أريكم طهورَ نبيكم ﷺ. [صحيح أبي داود] (١٠٥).

٤٥٧ - (صحيح) حدَّثنا هشامُ بنُ عمارٍ، قال: حدَّثنا الوليدُ بنُ مسلمٍ، قال: حدَّثنا حريزُ بنُ عثمانَ، عن عبدِ الرحمنِ بنِ ميسرةَ، عن المقدمِ بنِ معدٍ كَرِبَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَوْضُأً فغسلَ رجلَيْهِ ثلاثاً ثلاثاً. [صحيح أبي داود] (١١٢).

٤٥٨ - (حسن دون قوله: «فقال ابن عباس...» فإنه منكر) حدَّثنا أبو بكرٍ بنُ أبي شيبةَ، قال: حدَّثنا ابنُ عُليَّةَ، عن رُوحيِّ بنِ القاسمِ، عن عبدِ اللَّهِ بنِ محمَّدِ بنِ عقيلٍ، عن الرُّبَيْعِ؛ قالت: أتاني ابنُ عَبَّاسٍ فسألني عن هذا الحديثِ - تعني حديثها الذي ذكرتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَوْضُأً وغسلَ رجلَيْهِ -، فقال ابنُ عَبَّاسٍ: إِنَّ النَّاسَ أَبَوْا إِلَّا الْغَسْلَ، وَلَا أَجِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا الْمَسْحَ [صحيح أبي داود] (١١٧).

٥٧ - باب ما جاء في الوُضوءِ على ما أمرَ اللَّهُ تعالى

٤٥٩ - (صحيح) حدَّثنا محمَّدُ بنُ بشارٍ، قال: حدَّثنا محمَّدُ بنُ جعفرٍ، قال: حدَّثنا شعبةُ، عن جامعِ بنِ شدَّادٍ، أبي صخرَةَ؛ قال: سمعتُ حُمَراً يُحدِّثُ أبا بردةَ في المسجدِ أَنَّهُ سَمِعَ عِثْمَانَ بنَ عَفَّانَ يُحدِّثُ عن النَّبِيِّ ﷺ قال: «من أتَمَّ الوُضوءَ كما أمرَهُ اللَّهُ، فالصَّلواتُ المكتوباتُ كَفَّاراتٌ لما بينهنَّ». [صحيح الترغيب] (٧٨/١ و ٨٥): م.

٤٦٠ - (صحيح) حدَّثنا محمَّدُ بنُ يحيى، قال: حدَّثنا حجاجُ، قال: حدَّثنا همامٌ، قال: حدَّثنا إسحاقُ ابنُ عبدِ اللَّهِ بنِ أبي طلحةَ، قال: حدَّثني عليُّ بنُ يحيى بنِ خلادٍ، عن أبيه، عن عمِّهِ رِفاعَةَ بنِ رافعٍ: أَنَّهُ كانَ جالِساَ عندَ النَّبِيِّ ﷺ فقال: «إنَّها لا تَنَمُّ صلاةٌ لأحدٍ حتَّى يُسبِغَ الوُضوءَ كما أمرَهُ اللَّهُ تعالى؛ يغسلُ وجهَهُ ويديهِ إلى المرفقينِ، ويمسحُ برأسِهِ، ورجلَيْهِ إلى الكعبينِ». [صحيح الترغيب] (٩٣/١)، [صحيح أبي داود] (٨٠٤).

٥٨ - باب ما جاء في التَّضَحُّعِ بعد الوُضوءِ

٤٦١ - (صحيح) حدَّثنا أبو بكرٍ بنُ أبي شيبةَ، قال: حدَّثنا محمَّدُ بنُ بشرٍ، قال: حدَّثنا زكريَّا بنُ أبي زائدةَ، قال: قال منصورٌ: حدَّثنا مُجاهدٌ، عن الحكمِ بنِ سُفيانِ الثَّقَفِيِّ: أَنَّهُ رأى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَوْضُأً، ثمَّ أخذَ كَفًّا من ماءٍ فنضحَ^(١) بِهِ فرجَهُ. [المشكاة] (٣٦١)، [صحيح أبي داود] (١٥٩)، «تمام المنة».

٤٦٢ - (حسن دون الأمر) حدَّثنا إبراهيمُ بنُ محمَّدِ الفُريابِيِّ، قال: حدَّثنا حسانُ بنُ عبدِ اللَّهِ، قال: حدَّثنا ابنُ لهيعةَ، عن عقيلٍ، عن الزَّهْرِيِّ، عن عُرْوَةَ؛ قال: حدَّثنا أسامةُ بنُ زَيْدٍ، عن أبيه، عن زيدِ بنِ حارثةَ؛ قال: قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «علِّمَنِي جبريلُ الوُضوءَ، وأمرني أن أنضحَ تحتِ ثوبي، لما يخرجُ من البولِ بعد الوُضوءِ». [المشكاة] (٣٦٦)، «الضعيفة» (١٣١٢)، «الصحيحة» (٨٤١)، [صحيح أبي داود] (١٥٩). وهو

(١) «نضح»؛ أي: رش بالماء.

سِينُ أَبِي دَاوُدَ

تصنيف

الإمام الحافظ أبو داود سليمان بن الأشعث الأزدي السجستاني

٢٠٢ هـ - ٢٢٧٥ هـ

حققه وضبطه نصه وفرغ إماميته وعلوه عليه

شعيب الأرنؤوط محمد كامل قره بلالي

الجزء الثاني

دار الرسالة العالمية

حتى تطمئن مفاصله، ثم يرفع رأسه فيكبر، فإذا فعل ذلك تمت
صلاته»^(١).

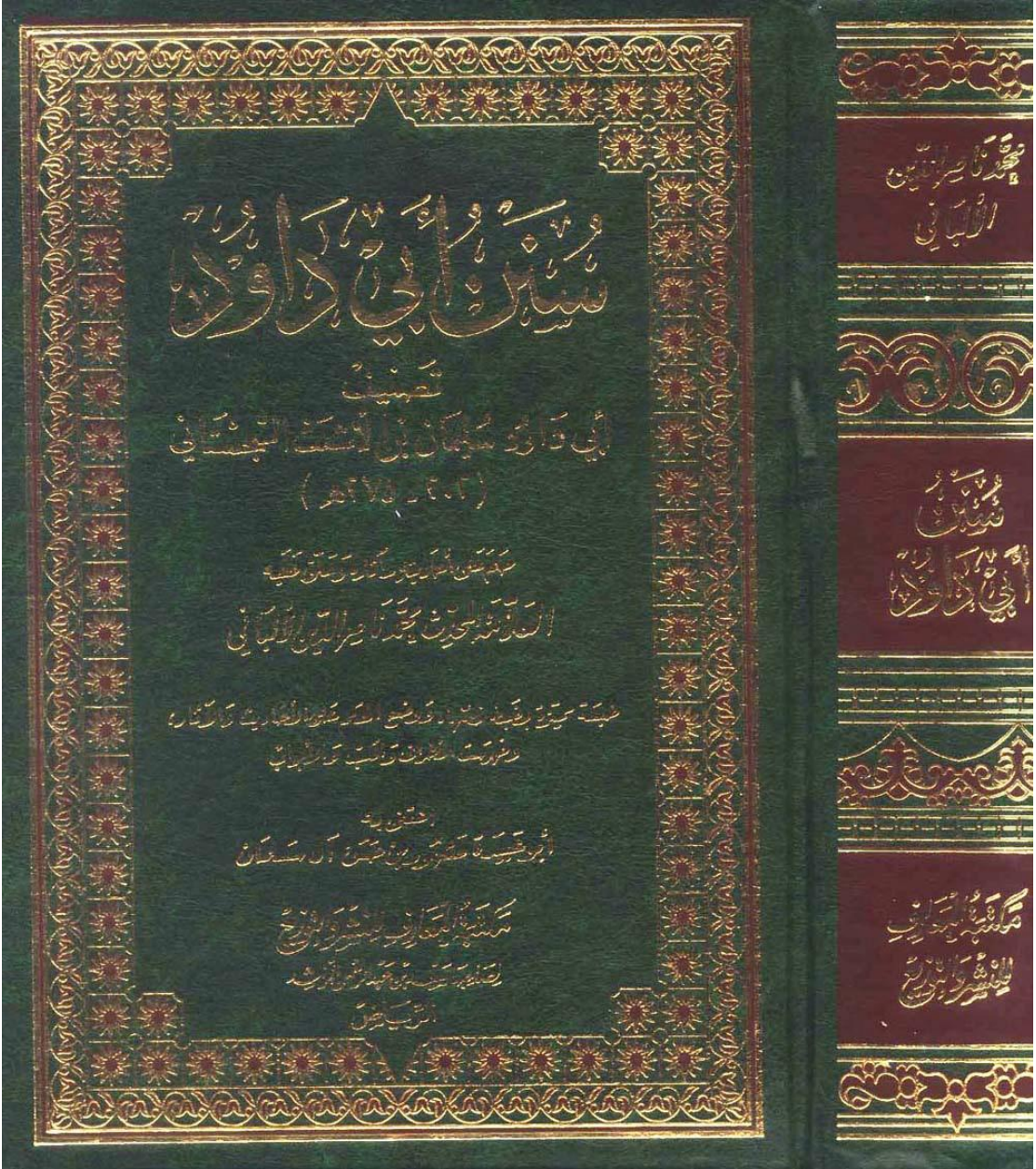
٨٥٨ - حدثنا الحسن بن علي، حدثنا هشام بن عبد الملك والحجاج بن
منهال، قالا: حدثنا همام، حدثنا إسحاق بن عبد الله بن أبي طلحة، عن علي
ابن يحيى بن خلاد، عن أبيه

عن عمه رفاعة بن رافع، بمعناه، قال: فقال رسول الله ﷺ:
«إنها لا تتم صلاة أحدكم حتى يسبغ الوضوء كما أمر الله تعالى،
فيغسل وجهه ويديه إلى المرفقين، ويمسح برأسه ورجليه إلى
الكعبين، ثم يكبر الله عز وجل ويحمده، ثم يقرأ من القرآن ما أذن له
فيه وتيسر» فذكر نحو حماد، قال: «ثم يكبر فيسجد فيمكّن وجهه
- قال همام: وربما قال: جبهته - من الأرض حتى تطمئن مفاصله
وتسترخي، ثم يكبر فيستوي قاعداً على مقعده ويقيم صلبه - فوصف
الصلاة هكذا أربع ركعات حتى فرغ -: لا تتم صلاة أحدكم حتى
يفعل ذلك»^(٢).

(١) حديث صحيح، وهذا إسناده رجاله ثقات، لكن اختلف فيه على بن علي بن
يحيى بن خلاد كما هو مبين في التعليق على الحديث (١٨٩٩٥) من «مسند أحمد»
بتحقيقنا.

موسى بن إسماعيل: هو التَّبُودُكِيُّ أبو سلمة، وحماد: هو ابن سلمة، وعمُّ علي
ابن يحيى: هو رفاعة بن رافع أبو معاذ الأنصاري، من أهل بدر رضي الله عنه.
وانظر ما بعده.

(٢) إسناده صحيح. هشام بن عبد الملك: هو أبو الوليد الطيالسي، وهمام: هو
ابن يحيى العَوْدِيُّ.



سیدنا ابی ذر

تصحیف

ابی ذر و صحابہ کرام
(۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰ھ)

مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام

مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام

مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام

مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام



مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام



مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام



مکتبہ المدینہ
ابی ذر و صحابہ کرام



سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ

تَصْنِيفُ

أَبِي دَاوُدَ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَشْعَثِ السَّجِسْتَانِي

(٢٠٢ - ٢٢٧٥ هـ)

حُكْمٌ عَلَى أَحَادِيثِهِ وَأَثَرِهِ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ

الْعَلَّامَةُ الْمُحَدِّثُ مُحَمَّدُ نَاصِرُ الدِّينِ الْأَلْبَانِيُّ

طَبْعَةٌ مُمَيَّزَةٌ بِضَبْطِ نَصْرِهَا، مَعَ تَمْيِيزِ
زِيَادَاتِ أَبِي الْحَسَنِ الْقَطَّانِ، وَوَضْعِ الْحُكْمِ عَلَى الْأَحَادِيثِ وَالْآثَارِ،
وَفَهْرَسَاتِ الْأَطْرَافِ وَالْكَتَبِ وَالْأَبْوَابِ

اعْتَنَى بِهِ

أَبُو عَبِيدَةَ مَشْهُورُ بْنُ حَسَنِ آلِ سَلْمَانَ

مَكْتَبَةُ الْمَعَارِفِ لِلنَّشْرِ وَالتَّوْزِينِ
يَعَاجِبُهُمَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّاشِدِ
الرياض

«وَعَلَيْكَ السَّلَامُ» - ثُمَّ قَالَ: - «ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ». حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَارٍ^(١)، فَقَالَ الرَّجُلُ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، مَا أَحْسَنُ غَيْرَ هَذَا، فَعَلَّمَنِي. قَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تيسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَأْسًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ اجْلِسْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا».

قَالَ الْقَعْنَبِيُّ: عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُقْبِرِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، وَقَالَ فِي آخِرِهِ: «فَإِذَا فَعَلْتَ هَذَا فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ وَمَا انْتَقَصَتْ مِنْ هَذَا شَيْئًا فَإِنَّمَا انْتَقَصَتْ مِنْ صَلَاتِكَ» وَقَالَ فِيهِ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَأَسْبِغِ الوُضُوءَ». [ق].

٨٥٧ - (صحيح) حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، نا حَمَّادٌ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى ابْنِ خَلَّادٍ، عَنْ عَمِّهِ، أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ - ذَكَرَ^(٢) نَحْوَهُ - قَالَ فِيهِ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّهُ لَا تَتِمُّ صَلَاةُ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَتَوَضَّأَ فَيَضَعِ الوُضُوءَ - يَعْنِي مَوَاضِعَهُ - ثُمَّ يَكْبِرُ وَيَحْمَدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُسَبِّحُ عَلَيْهِ، وَيَقْرَأُ بِمَا شَاءَ^(٣) مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَرْكَعُ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ، ثُمَّ يَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، حَتَّى يَسْتَوِيَ قَائِمًا، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَسْجُدُ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَيَرْفَعُ رَأْسَهُ حَتَّى يَسْتَوِيَ قَائِمًا، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَسْجُدُ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَكْبِرُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ».

٨٥٨ - (صحيح) حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، نا هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ وَالْحَجَّاجُ بْنُ مِثَالٍ، قَالَا: نا هَمَّامٌ، نا إِسْحَاقَ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَلَّادٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَمِّهِ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ - بِمَعْنَاهُ - قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّهَا لَا تَتِمُّ صَلَاةُ أَحَدِكُمْ حَتَّى يُسَبِّحَ الوُضُوءَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَيُسَبِّحُ وَجْهَهُ، وَيُنْذِرُ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ، وَيَسْمَعُ بِرَأْسِهِ، وَرَجُلَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، ثُمَّ يَكْبِرُ اللَّهُ تَعَالَى وَيَحْمَدُهُ، ثُمَّ يَقْرَأُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا أَدْنَى لَهُ فِيهِ وَيَسْتَسِرُّ - فَذَكَرَ نَحْوَ حَدِيثِ حَمَّادٍ قَالَ: - «ثُمَّ يَكْبِرُ فَيَسْجُدُ، فَيُتِمُّ وَجْهَهُ - قَالَ هَمَّامٌ وَرَبِّمَا قَالَ: «جِبْهَتَهُ» - مِنَ الْأَرْضِ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ وَتَسْتَرِجِي، ثُمَّ يَكْبِرُ فَيَسْتَوِيَ قَائِمًا عَلَى مَقْعَدِهِ وَيُقِيمُ صَلْبَهُ - فَوَصَفَ الصَّلَاةَ هَكَذَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، حَتَّى فَرَغَ - لَا تَتِمُّ صَلَاةُ أَحَدِكُمْ حَتَّى تَعْمَلَ ذَلِكَ».

٨٥٩ - (حسن) حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ بَقِيَّةٍ، عن خَالِدٍ، عن مُحَمَّدٍ - يَعْنِي ابْنَ عَمْرٍو -، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَلَّادٍ، [عَنْ أَبِيهِ]، عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ، بِهَذِهِ الْقِصَّةِ، قَالَ: «إِذَا قُمْتَ فَتَوَجَّهْتَ إِلَى الْقِبْلَةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَبِمَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَقْرَأَ، [وَ] إِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ رَأْسَكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَأَمْلُدْ ظَهْرَكَ - وَقَالَ: - إِذَا سَجَدْتَ فَمَنْ لِسُجُودِكَ^(٤)، فَإِذَا رَفَعْتَ فَأَقْعُدْ عَلَى فِخْذِكَ الْيُسْرَى».

٨٦٠ - (حسن) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هِشَامٍ، نا إِسْمَاعِيلُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَلَّادٍ بْنِ رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَمِّهِ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ، عَنْ النَّبِيِّ ﷺ، بِهَذِهِ الْقِصَّةِ، قَالَ: «إِذَا أَنْتَ قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ فَكَبِّرِ اللَّهُ عَزَّ

(١) في نسخة: «مرات». (منه).

(٢) في نسخة: «فذكر». (منه).

(٣) في نسخة: «بما تيسر». (منه).

(٤) في نسخة: «بسجودك»، وفي نسخة: «سجودك» (منه).

مَسْنَدُ الدَّارِمِيِّ

المَعْرُوفُ بِ:

(سُنَنِ الدَّارِمِيِّ)

تأليف

الإمام الحافظ أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بھرام الدارمي
(١٨١ - ٢٥٥ هـ)

تحقيق

حسين سليم أسد الزرارني

الجزء الثاني

الصلاة - الرؤيا

من حديث: ١٢٢٠ - ٢٢٠٩

دار المعنى للنشر والتوزيع

١٣٦٨ - أخبرنا أبو الوليد الطيالسي ، حدثنا همام ، حدثنا إسحاق بن

عبد الله ، عن علي بن يحيى بن خلاد^(١) ، عن أبيه (ك: ١٩٦) ،

عَنْ عَمِّهِ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ ، وَكَانَ رِفَاعَةُ وَمَالِكُ ابْنَيْ رَافِعِ أَخَوَيْنِ مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ
قَالُوا : بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - أَوْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جَالِسٌ وَنَحْنُ
حَوْلَهُ - شَكَ هَمَامٌ - إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَصَلَّى ، فَلَمَّا قَضَى الصَّلَاةَ ،
جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَى الْقَوْمِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : « وَعَلَيْكَ ،
ارْجِعْ فَصَلِّ ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ » . فَرَجَعَ الرَّجُلُ فَصَلَّى ، وَجَعَلْنَا نَزُمُ صَلَاتَهُ ،
لَا نَذَرِي مَا يَعِيبُ مِنْهَا [ر: ١٥٧] فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ
ﷺ وَعَلَى الْقَوْمِ ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ : « وَعَلَيْكَ ، ارْجِعْ فَصَلِّ ، فَإِنَّكَ لَمْ
تُصَلِّ » .

قَالَ هَمَامٌ : فَلَا أَذْرِي أَمْرَهُ بِذَلِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا .

قَالَ الرَّجُلُ : مَا أَلَوْتُ^(٢) ، فَلَا أَذْرِي مَا عَبَتَ عَلَيَّ مِنْ صَلَاتِي .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : « إِنَّهَا لَا تَبِمُ صَلَاةٍ أَحَدِكُمْ حَتَّى يُسْبِغَ الوُضُوءَ كَمَا أَمَرَهُ

الله - عَزَّ وَجَلَّ - فَيَغْسِلُ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ، وَيَمْسَحُ بِرَأْسِهِ ، وَرِجْلَيْهِ إِلَى

= وقد استوفينا تخريجه في « معجم شيوخ أبي يعلى » برقم (١٥٠) وقد سهونا هناك عن

عننة الوليد بن مسلم ، وقلنا - خطأ - بصحة الإسناد .

كما خرجناه في « مجمع الزوائد » برقم (٢٧٤٤) .

ولكن يشهد له حديث أبي سعيد ، وحديث أبي هريرة ، وحديث عبد الله بن مغفل ،

وقد خرجناها بالأرقام (٢٧٤٥ ، ٢٧٤٦ ، ٢٧٤٧) . في «مجمع الزوائد» .

وحديث أبي هريرة خرجناه في « صحيح ابن حبان » برقم (١٨٨٨) ، وفي « موارد

الظمان » برقم (٥٠٣) .

(١) عند (د ، ليس) زيادة « عن خلاد » وهي مقحمة .

(٢) أي : ما قصرت .

الْكَعْبَيْنِ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ ثُمَّ يَقْرَأُ^(١) مِنَ الْقُرْآنِ مَا أَدْنَى اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ فِيهِ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فَيَرْكَعُ فَيَضَعُ كَفَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ وَتَسْتَرُخِي ، وَيَقُولُ : سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ، فَيَسْتَوِي قَائِمًا حَتَّى يُقِيمَ صُلْبَهُ فَيَأْخُذُ كُلَّ عَظْمٍ مَأْخُذَهُ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فَيَسْجُدُ فَيُمَكِّنُ وَجْهَهُ - قَالَ هَمَّامٌ : وَرَبَّمَا قَالَ : جِبْهَتَهُ - مِنَ الْأَرْضِ حَتَّى تَطْمَئِنَّ مَفَاصِلُهُ وَتَسْتَرُخِي ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ، فَيَسْتَوِي قَاعِدًا عَلَى مَقْعَدِهِ وَيُقِيمُ صُلْبَهُ « فَوَصَفَ الصَّلَاةَ هَكَذَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ حَتَّى فَرَّغَ ، « لَا تَبْتَغِ صَلَاةً أَحَدِكُمْ حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ »^(٢) .

٧٨ - ٧٩ - باب : التَّجَافِي فِي السُّجُودِ

١٣٦٩ - أَخْبَرَنَا أَبُو نَعِيمٍ ، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ بَرْقَانَ ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ الْأَصَمِ ، عَنْ مَيْمُونَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ قَالَتْ : كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا سَجَدَ ، جَافَى حَتَّى يَرَى مَنْ خَلْفَهُ وَضَحَّ لِإِنِّطِيهِ^(٣) .

١٣٧٠ - أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ حَسَانَ ، حَدَّثَنَا سَفْيَانُ بْنُ عَيِّنَةَ ، وَإِسْمَاعِيلُ بْنُ زَكَرِيَا ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَصَمِ ، عَنْ عَمِّهِ يَزِيدِ بْنِ الْأَصَمِ ، عَنْ مَيْمُونَةَ قَالَتْ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَجَدَ ، جَافَى حَتَّى لَوْ شَاءَتْ بِهِمَّةٌ تَمُرُّ تَحْتَهُ لَمَرَّتْ^(٤) .

(١) عند (د ، ها ، ليس) : « ويقرأ » .

(٢) إسناده صحيح ، وقد استوفينا تخريجه في « مسند الموصلي » برقم (٦٦٢٣) وأطلقنا في الحديث عليه ، كما خرجناه في « صحيح ابن حبان » برقم (١٧٨٧) ، وفي « موارد الظمان » برقم (٤٨٤) .

(٣) إسناده صحيح ، وأخرجه مسلم في الصلاة (٤٩٧) باب : ما يجمع صفة الصلاة .

وقد استوفينا تخريجه في « مسند الموصلي » برقم (٧٠٩٦ ، ٧٠٩٧ ، ٧١٠٢) .

(٤) إسناده صحيح ، وعند الموصلي برقم (٧٠٩٧) : « عبد الله بن عبد الله » بدل « عبيد الله بن عبد الله » وهما أخوان ومن رجال مسلم .

خليفة سوم اهل سنت نیز کیفیت وضوي پیامبر صلي الله عليه وآله را نقل کرده و تصريح کرده است که ایشان پاها

را مسح مي کرده اند. این روایت از چند طریق نقل شده است:

طریق اول:

این روایت در مسند احمد با سند معتبر این گونه آمده است:

٤٨٧ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا بن الأشجعي ثنا أبي عن سُفْيَانَ عن سَالِمِ أَبِي النَّضْرِ- عن بُسْرِ- بن سَعِيدٍ قال أتى عُمَانُ

الْمَقَاعِدَ فَدَعَا بِوَضُوءٍ فَتَمَضَّمَصَّ وَأَسْتَنْشَقَ ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَيَدَيْهِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ رَأَيْتَ

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَكَذَا يَتَوَضَّأُ يَا هَؤُلَاءِ أَكْذَابُكَ قَالُوا نَعَمْ لِنَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَهُ

«بسر بن سعید می گوید: عثمان در جایگاه وضو نشست و گفت آب بیاورید تا وضو بگیرم. آنگاه دهانش را شست

و آب در بینی اش کرد پس از آن، سه مرتبه صورت و دستهایش را شست. سپس سر و پاهایش را سه مرتبه مسح کرد. پس از

آن گفت: رسول خدا صلي الله عليه وآله را دیدم که این گونه وضو می گرفت. ای مردم آیا وضوي ایشان همچنين بود؟ گفتند:

بلي. عثمان این سخن را برای تعدادي از اصحاب رسول خدا که نزد وي بودند، گفت.»

الامام احمد بن حنبل، مسند أحمد بن حنبل، ج ١، ص ٥٣٣، تحقيق: شعيب الارنوط- عادل مرشد، مؤسسة الرسالة.

محقق در پاورقي سند این روایت را «حسن» می داند و می نویسد:

(١) اسناد حسن.

المؤيدون عبد النبي

مُسْنَدُ

الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

مؤسسة الرسالة

الموسوعة الحديثية

مُسْنَدُ

الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

الجزء الأول

حَقَّقَهُ وَخَرَّجَ أَحَادِيثَهُ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ

عَادِلُ مُرْشِدٍ

شُعَيْبُ الأرنؤوط

مؤسسة الرسالة

عن عثمان بن عفان، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «أَدْخَلَ اللهُ الْجَنَّةَ رَجُلًا كَانَ سَهْلًا: قَاضِيًا وَمُقْتَضِيًا، وَبَائِعًا، وَمُشْتَرِيًا»^(١).

٤٨٦ - حدثنا عفان، حدثنا أبو عوانة، عن إبراهيم بن المهاجر، عن عكرمة بن خالد، حدثني رجل من أهل المدينة:

أَنَّ الْمُؤَذِّنَ أَذَّنَ لَصَلَاةِ الْعَصْرِ، قَالَ: فَدَعَا عُثْمَانُ بِطَهْوَرٍ فَتَطَهَّرَ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ تَطَهَّرَ كَمَا أُمِرَ، وَصَلَّى^(٢) كَمَا أُمِرَ، كُفِّرَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ» فَاسْتَشْهَدَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَرْبَعَةً مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: فَشَهِدُوا لِي بِذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ^(٣).

٤٨٧ - حدثنا ابن الأشجعي، حدثنا أبي، عن سفيان، عن سالم أبي النضر، عن

بسر بن سعيد، قال:

(١) حديث حسن.

وأخرجه عبد بن حميد (٤٧) عن محمد بن الفضل، عن حماد بن سلمة، بهذا

الإسناد.

وأخرجه الخرائطي في «مكارم الأخلاق» ص ٥٤ من طريق علي بن الجعد، عن حماد بن سلمة، عن يونس، عن الحسن، عن عطاء، به. زاد فيه الحسن البصري، ولم يذكر أحد ممن ترجم لعطاء أن الحسن روى عنه. وقد تقدم برقم (٤١٠).

(٢) في (ب) و (ح) وعلى حاشية (س) و (ق) و (ص): ثم صلى.

(٣) حسن لغيره، وهذا إسناد ضعيف، إبراهيم بن المهاجر فيه لين، والرجل من

أهل المدينة الذي روى عنه عكرمة بن خالد مجهول.

وأخرجه الطبراني في «الكبير» (١٤٩)، وأبو نعيم في «الحلية» ٨/٥ من طريق

محمد بن سوقة، عن عمرو بن ميمون، عن عثمان بن عفان رضي الله عنه، وانظر

(٤٢١)، وله شاهد من حديث أبي أيوب عند النسائي ١/٩٠ و ٩١، وابن ماجه (١٣٩٦)،

وصححه ابن حبان (١٠٤٢). وسيأتي في «المسند» ٥/٤٢٣.

أتى عثمانُ المقاعدَ، فدعا بوضوءٍ، فتمضمض واستنشق، ثم غسل وجهه ثلاثاً، ويديه ثلاثاً ثلاثاً، ثم مسح برأسه ورجليه ثلاثاً ثلاثاً، ثم قال: رأيتُ رسولَ الله ﷺ هكذا يتوضأ، يا هؤلاء! أكذاك؟ قالوا: نعم. لِنُفِرَ من أصحابِ رسولِ الله ﷺ عنده^(١).

٤٨٨ - حدثنا عبد الله بن الوليد، حدثنا سفيان، حدثني سالم أبو النضر، عن بسر بن سعيد

٦٨/١ عن عثمان بن عفان: أنه دعا بماء فتوضأ عند المقاعد، فتوضأ ثلاثاً ثلاثاً، ثم قال لأصحاب رسول الله ﷺ: هل رأيتم رسول الله ﷺ فعل هذا^(٢)؟ قالوا: نعم^(٣).

(١) إسناده حسن، ابن الأشجعي: هو أبو عبيدة بن عبيد الله بن عبيد الرحمن حديثه عند أبي داود، وروى عنه جمع، وذكره ابن حبان في «الثقات» ٤٣٤/٨ وسماه عباداً، ومن فوقه ثقات من رجال الشيخين. وقد تقدم برقم (٤٠٤) من طريق وكيع، عن سفيان، عن سالم أبي النضر، عن أبي أنس، عن عثمان. ورجح أبو زرعة وأبو حاتم الرازيان كما في «العلل» لابن أبي حاتم ٥٥/١ رواية وكيع هذه على رواية الأشجعي، وقال أبو حاتم: بسر بن سعيد عن عثمان مرسل! مع أن بسر بن سعيد كان له من العمر عندما قتل عثمان شهيداً ثلاثة عشر سنة.

(٢) في (ق): هكذا.

(٣) إسناده قوي، عبد الله بن الوليد: هو ابن ميمون الأموي مولاهم المكي المعروف بالعدني راوي جامع سفيان عنه، قال أحمد: ما كان صاحب حديث، ولكن حديثه حديث صحيح، كان ربما أخطأ في الأسماء كتبت عنه كثيراً، وقال البخاري: مقارب، وقال العقيلي: ثقة معروف، وقال الدارقطني: ثقة مأمون، وقال أبو زرعة: صدوق، وذكره ابن حبان في «الثقات» وقال: مستقيم الحديث، وقال ابن عدي: روى عن الثوري «جامعه» وقد روى عن الثوري غرائب غير الجامع، وعن غير الثوري ما رأيت =

طريق دوم:

از حمزان بن ابان با سند معتبر نقل شده است که عثمان پایش را مسح می کرد و تصریح می کرد که وضوی رسول

خدا صلی الله علیه وآله همین گونه بود:

۵۶ حدثنا محمد بن بشر قال حدثنا سعيد بن أبي عروبة عن قتادة عن مسلم بن يسار عن **حمران** قال دعا عثمان بماء فتوضأ ثم ضحك فقال ألا تسألوني مما أضحك قالوا يا أمير المؤمنين ما اضحكك قال رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم توضأ كما توضأت فمضمض واستنشق وغسل وجهه ثلاثاً ويديه ثلاثاً **ومسح برأسه وظهر قدميه**.

سر و روي پاهای خود را مسح کرده است.

مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۱۶

این روایت در مسند احمد و مسند بزار نیز نقل شده است:

الشيبياني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۵۸، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.
البيزار، ابوبكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای ۲۹۲هـ)، البحر الزخار (مسند البزار) ج ۲، ص ۷۴، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ.
هيثمى از علمای رجال اهل سنت، پس نقل روایت، می گوید:

رواه البزار ورجاله رجال الصحيح وهو في الصحيح باختصار

این روایت را بزار نقل کرده و راویان سندش راویان صحیح است...

مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۲۲۹

سیوطی بعد از نقل روایت می نویسد:

(حم، والبزار حل، ع، **وصح**).

این روایت را احمد بن حنبل، بزار، ابو نعیم در حلیه الاولیاء و ابو یعلی روایت کرده اند و روایت تصحیح شده

است.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای ۹۱۱هـ)، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، ج ۱۵، ص ۱۹۷، طبق برنامه الجامع الكبير.

طريق سوم:

ابن خزيمه نیز به نقل از شقيق بن سلمه از عثمان روایت کرده است که وي پای خود را مسح کرد و می گفت:

وضوي رسول خدا صلي الله عليه وآله چنین بود:

۱۵۱ أخبرنا أبو طاهر نا أبو بكر نا يعقوب بن إبراهيم الدورقي حدثنا خلف بن الوليد حدثنا إسرائيل عن عامر بن شقيق

عن شقيق بن سلمة عن عثمان بن عفان أنه توضأ فغسل وجهه ثلاثا واستنشق ثلاثا ومضمض ثلاثا ومسح برأسه وأذنيه ظاهرهما

وباطنهما ورجليه ثلاثا وخلل لحيته وأصابع الرجلين وقال هكذا رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يتوضأ.

شقيق بن سلمه نقل کرده که عثمان بن عفان وضو گرفت، سه مرتبه صورتش را شست، سه مرتبه آب در بینی کرد

و سه مرتبه دهانش را با آب شست، آنگاه سر، ظاهر و باطن دو گوش و پاهای خود را سه مرتبه مسح نمود ... و گفت: این

چنین دیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم وضو می گرفت.

ابن خزيمة السلمي النيسابوري، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة (متوفى ۳۱۱هـ)، صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۷۸، تحقيق: د. محمد

مصطفى الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۳۹۰هـ - ۱۹۷۰م

این روایت نیز از نظر سند صحیح است و در کتاب صحیح ابن خزیمه نقل شده که خودش در مقدمه در باره اعتبار

کتاب می نویسد:

مختصر المختصر من المسند الصحيح عن النبي صلى الله عليه وسلم بنقل العدل عن العدل موصولاً إليه صلى الله عليه وسلم

من غير قطع في أثناء الإسناد ولا جرح في ناقلی الأخبار التي نذكرها بمشيئة الله تعالى.

مختصری از مختصر روایات مسند صحیح از رسول خدا صلی الله علیه وسلم را به نقل راویان عادل، از عادل تا به

پیامبر صلی الله علیه وآله می رسد بدون این که در سند قطع صورت گرفته باشد و بدون این که راویان سند جرحی داشته

باشد، به خواست خداوند، ذکر می کنم.

صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۳

تا اینجا به شهادت برخی از صحابه ثابت شد که رسول خدا صلی الله علیه وآله پاهای مبارک را در وضو مسح

می کرده اند. هرچند روایات فراوان است، اما به همین مقدار اکتفا می کنیم.

ب: وضوي امير مؤمنان عليه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام نیز یکی از افرادی هستند که عمل، سیره و روش ایشان برای شیعه و اهل سنت حجت

است. آن حضرت نیز همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، پاهای مبارک را در هنگام وضو، مسح می کرده اند.

۱. روایت نزال بن سبره: (روایت صحیح)

احمد بن حنبل در کتاب «مسند» خود روایت ذیل که وضوی امیر مؤمنان علیه السلام را بیان می‌کند، چنین آورده

است:

۱۳۶۶ حدثنا عبد الله حدثني أبو خيثمة وثنا إسحاق بن إسماعيل قالنا ثنا جرير عن منصور عن عبد الملك بن ميسرة عن النزال بن سبرة قال صلينا مع علي رضي الله عنه الظهر فأنطلق إلى مجلس له يجلسه في الرحبة فقعده وقعدنا حوله ثم حضرت العصر فأتى بنا فأخذ منه كفاً فتمضمض واستنشق ومسح بوجهه وذراعيه ومسح برأسه ومسح برجليه ...

«نزال بن سبره می‌گوید: همراه علی [علیه السلام] نماز ظهر را خواندیم، حضرت در جایگاه خودش در میدان کوفه

رفت و ما هم دور بر ایشان نشستیم تا این که وقت نماز عصر فرا رسید. برای آن حضرت آب وضو آوردند. ایشان کفی از آب

برداشت و دهانش را شست. و بینی اش را شست و صورت و دستهایش را مسح کرد و سر و پاهایش را نیز مسح کرد. ...»

مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹

محقق کتاب، سند این روایت را صحیح می‌داند و در پاورقی تصریح می‌کند:

(۱) اسناد صحیح.

مُسْنَدُ
الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

اشرف على تحقيقه
الشيخ شعيب الأرنؤوط

حقق هذا الجزء وفرجه احاديثه وعلق عليه
شعيب الأرنؤوط عادل مرشد

الجزء الثاني

مؤسسة الرسالة

١٣٦٤ - حدثنا أبو سعيد، حدثنا هُشَيْمٌ، حدثنا حُصَيْنُ بن عبد الرحمن، عن
الشَّعْبِيِّ، عن الحارث

١٥٩/١ عن عليٍّ: أن رسولَ الله ﷺ لَعَنَ آكَلَ الرِّبَا، وموكلَه، وشاهديه،
وكتابه، والمُجَلَّ والمُحَلَّلَ له، والواشِمةَ والمُستوشِمةَ، ومانعَ الصَّدقةِ،
ونَهَى عن النَّوحِ (١).

١٣٦٥ - حدثنا حجاج، قال: يونس بن أبي إسحاق أخبرني، عن أبي
إسحاق، عن أبي جُحَيْفَةَ

عن عليٍّ، قال: قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَذْنَبَ فِي الدُّنْيَا ذَنْبًا
فَعُوقِبَ بِهِ، فَاللهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُشَيِّعَ عُقُوبَتَهُ عَلَيَّ عَبْدُهُ، وَمَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا فِي
الدُّنْيَا فَسَتَرَ اللهُ عَلَيْهِ، وَعَفَا عَنْهُ، فَاللهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي شَيْءٍ قَدْ عَفَا
عَنْهُ» (٢).

● ١٣٦٦ - حدثنا عبد الله، حدثني أبو خَيْثَمَةَ. وحدثنا إسحاق بن إسماعيل،
قالا: حدثنا جرير، عن منصور، عن عبد الملك بن ميسرة، عن الزَّالِ بن سَبْرَةَ

= وأخرجه ابن أبي عاصم (١٣١٤)، والبخاري (٦٢٧)، والنسائي في «عمل اليوم والليلة»
(٦٣٧)، وفي «خصائص علي» (٢٨) و(٢٩) من طرق عن إسرائيل، بهذا الإسناد.
وأخرجه الدارقطني في «العلل» ٩/٤-١٠ من طريق سفيان الثوري، عن أبي
إسحاق، به. ولم يقل الثوري في روايته «علي أنه مغفور لك». وانظر ما تقدم برقم
(٧١٢).

(١) حسن لغيره، وهذا إسناد ضعيف لضعف الحارث الأعور.
وأخرجه البخاري (٧٢٧) عن زياد بن أيوب، عن هشيم، بهذا الإسناد. وانظر (٦٣٥).
(٢) إسناده حسن. وهو مكرر (٧٧٥).

قال: صلينا مع عليّ الظهر، فانطلق إلى مجلس له يجلسه في الرحبة، ففعد وفعدنا حوله، حتى حضرت العصر، فأتي باناء، فأخذ منه كفاً، فتمضمض واستنشق ومسح بوجهه وذراعيه، ومسح برأسه، ومسح برجليه، ثم قام فشرب فضل إنائه، ثم قال: إني حدثت أن رجالاً يكرهون أن يشرب أحدهم وهو قائم، إني رأيت رسول الله ﷺ فعل كما فعلت^(١).

١٣٦٧ - حدثنا حجاج، حدثنا شريك، عن عاصم بن كليب، عن محمد بن كعب القرظي

أن علياً قال: لقد رأيتني مع رسول الله ﷺ، وإني لأربط الحجر على بطني من الجوع، وإن صدقتي اليوم لأربعون ألفاً^(٢).

١٣٦٨ - حدثنا أسود، حدثنا شريك، عن عاصم بن كليب، عن محمد بن كعب القرظي

(١) إسناده صحيح. رجاله ثقات رجال الشيخين غير إسحاق بن إسماعيل - وهو الطالقاني - فمن رجال أبي داود، وهو ثقة، وغير النزال بن سبرة، فمن رجال البخاري، وهو ثقة أيضاً.

وأخرجه أبو يعلى (٣٦٨)، وعنه ابن حبان (١٠٥٧) عن أبي خيثمة، بهذا الإسناد. وأخرجه ابن خزيمة (١٦) و(٢٠٢) عن يوسف بن موسى، عن جرير، به. وقد تقدم برقم (٥٨٣).

(٢) إسناده ضعيف لانقطاعه، محمد بن كعب القرظي لم يسمع من علي، وشريك - وهو ابن عبد الله النخعي - سىء الحفظ. حجاج: هو ابن محمد المصيبي الأعور. وأخرجه الدولابي في «الكنى والأسماء» ١٦٣/٢ من طريق عبد الرحمن بن مصعب، عن شريك، بهذا الإسناد. وليس فيه «وإن صدقتي اليوم لأربعون ألفاً».

۱۴۸ حدثنا أبو داود قال حدثنا شعبة قال أخبرني عبد الملك بن ميسرة قال سمعت النزال بن سبرة يقول صلى علي الظهر في

الرحبة ثم جلس في حوائج الناس حتى حضرت العصر ثم أتى بكوز من ماء فصب منه كفا فغسل وجهه ويديه ومسح على رأسه

ورجليه ...

«نزال بن سبرة مي گوید: علي [عليه السلام] در میدان کوفه نماز ظهر خواند، سپس نشست تا به مشکلات مردم

رسیدگی نماید تا این که وقت نماز عصر فرا رسید. سپس کوزه‌ی از آب را آوردند از این آب کفی ریخت صورت و دستهایش را

شست و سر و پاهایش مسح کشید...»

مسند الطيالسي، ج ۱، ص ۲۲

محقق کتاب (محمد بن عبد المحسن ترکی) سند روایت را صحیح می‌داند و می‌نویسد:

(۲) حدیث صحیح، اخرجہ احمد و...

مَسْنَدُ أَبِي دَاوُدَ الطَّيَالِسِيِّ

سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ الْجَارُودِ

المتوفى سنة ٤٠٤ هـ

تحقيق

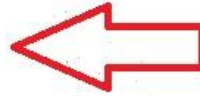
الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي

بالتعاون مع

مركز البحوث والدراسات العربية والإسلامية

بدار هجر

الجزء الأول



هجر

للطباعة والنشر والتوزيع والاعلان

۱۴۱- حدثنا أبو داود، قال: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، قال: أَخْبَرَنِي عَبْدُ الْمَلِكِ ابْنُ مَيْسَرَةَ، قال: سَمِعْتُ النَّزَّالَ بْنَ سَبْرَةَ، يَقُولُ: صَلَّى عَلَيَّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، الظُّهْرَ فِي الرَّحْبَةِ^(۱)، ثُمَّ جَلَسَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ حَتَّى حَضَرَتِ الْعَصْرُ، ثُمَّ أَتَى بِكُوزٍ مِنْ مَاءٍ، فَصَبَّ مِنْهُ كَفًّا فَغَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ، وَمَسَحَ عَلَى رَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ، ثُمَّ قَامَ فَشَرِبَ فَضَلَ الْمَاءِ، وَهُوَ قَائِمٌ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ نَاسًا يَكْرَهُونَ أَنْ يَشْرَبُوا وَهُمْ قِيَامٌ، وَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَعَلَّ مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتُ. وقال: هَذَا وَضُوءٌ مَنْ لَمْ يُحَدِّثْ^(۲).

۱۴۲- حدثنا أبو داود، قال: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عن مالك بن عُرْفُطَةَ^(۳)، عن عبد خير الحِوَانِيِّ^(۴)، أَنَّ عَلِيًّا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَتَى بِكُوزِيٍّ، فَفَعَدَّ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بِكُوزٍ مِنْ مَاءٍ، فَغَسَلَ يَدَهُ ثَلَاثًا، ثُمَّ

(۱) رحبة المكان، كالمسجد والدار، بالتحريك وتسكن: ساحته وامتسعه. تاج العروس.
 (۲) حديث صحيح. أخرجه أحمد (۱۰۰۵، ۱۱۷۳، ۱۳۱۵)، والبخاري (۵۶۱۶)، والنسائي (۱۳۰)، والطحاوي ۳۴/۱، والبيهقي ۷۵/۱ من طرق عن شعبة، به.
 وأخرجه أحمد (۵۸۳، ۱۲۲۲)، والبخاري (۵۶۱۵)، وأبو داود (۳۷۱۸)، والترمذي في الشمائل (۲۰۰)، وعبد الله بن أحمد في زياداته (۱۳۶۶)، وأبو يعلى (۳۰۹، ۳۶۸) من طرق عن عبد الملك بن ميسرة، به.
 وقوله: وهذا وضوء من لم يحدث. في أكثر المصادر من كلام علي موقوفًا عليه، وعند بعضهم مرفوعًا، ولم يخرج البخاري هذا القدر. انظر الفتح ۸۲/۱۰.
 ولجواز الشرب قائمًا شاهد من حديث ابن عباس سيأتي برقم (۲۷۷۰)، وللهي عنه انظر ما سيأتي برقم (۲۱۱۲، ۲۱۲۹).
 (۳) قوله: «مالك بن عرفة»: كان شعبة يخطئ فيه، والصواب: «خالد بن علقمة».
 (۴) في ص: «الحواني». وفي م: «الحراني».

۲. روایت عبد خیر :

به گزارش طحاوی، عبد خیر یکی از یاران امیر مؤمنان علیه السلام می گوید ایشان هنگام وضو گرفتن، روی پایش را

حدثنا أبو أمية قال ثنا محمد بن الأصبهاني قال أنا شريك عن السدي عن عبد خير عن علي رضي الله عنه أنه توضأ فمسح

على ظهر القدم وقال لولا أنني رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم فعله لكان باطن القدم أحق من ظاهره.

«عبد خير بن يزيد از علي عليه السلام نقل کرده که ایشان در وضو، روي پایش مسح کشید و فرمود: اگر ندیده

بودم که رسول خدا صلي الله عليه وآله چنين مي کردند، هر آينه كف پا براي مسح کردن سزاوار تر از پشت پا بود.»

الطحاوي الحنفي، ابوجعفر أحمد بن محمد بن سلامة (متوفای ۳۲۱هـ)، شرح معاني الآثار، ج ۱، ص ۳۵، تحقيق: محمد زهري النجار

، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۹م

مكتبة دار الحديث

دار الحديث

شرح معاني الأشارة

للإمام أبي جعفر، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك
ابن سلامة الأزدي الجعفي الصوري الطائري الحنفي
(المولود سنة ٢٢٩ هـ - والمتوفى سنة ٢٢١ هـ)

حقيقته وقدمه له وعلق عليه
محمد زهرى النجاشي
محمد سيد جواد الجعفي
من علماء الأئمة المشركين

رأبجه ورقم كتيبه وأبوابه وأحاديثه وقهرته
د. يوسف عبد الرحمن الرشدي
الباحث بمرکز خدمة السنة النبوية بالديانة المكتوبة

عالم الكتب

شرح معاني الأشارة

مكتبة دار الحديث

دار الحديث

شَرَحَ مَعَانِي الْأَشْهُارِ

للإمام أبي جعفر، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك
ابن سلامة الأزدي الجعري المصري الطحاوي الحنفي
(المولود سنة ٢٢٩هـ - والمتوفى سنة ٣٢١هـ)

حَقَّقَهُ وَقَدَّمَ لَهُ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ
محمد زهرى النجار
مجلد علماء الأزهر الشريفين
محمد سيد جاد الحق

رَاجَعَهُ وَرَقَّمَ كِتَابَهُ وَأَبْوَابَهُ وَأَحَادِيثَهُ وَفَهَّرَهُ
د. يوسف عبد الرحمن المرعشاي
الباحث بمركز خدمة السنة النبوية بالمدينة المنورة

الجزء الأول

عالم الكتب

الخلولاني عن ابن عباس قال: دخل على علي رضي الله عنه وقد أراق الماء فدعا بوضوء فغثناه بإناء من ماء فقال: (يا ابن عباس ألا أتوضأ لك كما رأيت رسول الله ﷺ يتوضأ؟) قلت: بلى فذاك أبي وأمي، فذكر حديثاً طويلاً. قال: ثم أخذ بيديه جميعاً فغثه من ماء فصك بها على قدمه اليمنى واليسرى كذلك.

١٥٨ - **حَدَّثَنَا** علي بن شيبه قال: ثنا يحيى بن يحيى قال: ثنا عبد العزيز بن محمد، عن زيد بن أسلم عن عطاء بن يسار عن ابن عباس قال توضأ رسول الله ﷺ فأخذ ملء كفه ماء فرش به على قدميه وهو متنعل.

١٥٩ - **حَدَّثَنَا** أبو أمية قال: ثنا محمد بن الأصبهاني قال: أنا شريك عن السدي، عن عبد خير عن علي رضي الله عنه أنه توضأ فمسح على ظهر القدم وقال: «لولا أني رأيت رسول الله ﷺ فعله لكان باطن القدم أحق من ظاهره».

١٦٠ - **حَدَّثَنَا** ابن أبي داود قال: ثنا أحمد بن الحسين اللهي قال: ثنا ابن أبي فديك، عن ابن أبي ذئب، عن نافع عن ابن عمر، أنه كان إذا توضأ وتغلا في قدميه، مسح ظهور قدميه بيديه، ويقول: كان رسول الله ﷺ يصنع هكذا.

١٦١ - **حَدَّثَنَا** محمد بن خزيمة قال: ثنا حجاج بن المهال قال: ثنا همام بن يحيى قال: أنا إسحق بن عبد الله بن أبي طلحة قال: ثنا علي بن يحيى بن خلاد عن أبيه عن عمه رفاعة بن رافع أنه كان جالساً عند النبي ﷺ فذكر الحديث حتى قال «إنه لا تتم صلاة أحدكم حتى يسبغ الوضوء كما أمره الله عز وجل، فيغسل وجهه ويديه إلى المرفقين ويمسح برأسه ورجليه إلى الكعبين».

١٦٢ - **حَدَّثَنَا** روح بن الفرخ قال: ثنا عمرو بن خالد قال: ثنا ابن لهيعة، عن أبي الأسود، عن عباد بن تميم، عن عمه أن النبي ﷺ توضأ ومسح على القدمين، وأن عروة كان يفعل ذلك.

فذهب قوم إلى هذا وقالوا: هكذا حكم الرجلين بمسحان، كما مسح الرأس.

١٦٣ - وخالفهم في ذلك آخرون، فقالوا: بل يفسلان، واحتجوا في ذلك من الآثار بما **حَدَّثَنَا** حسين بن نصر قال ثنا الفريابي قال: ثنا زائدة بن قدامة قال: ثنا علقمة بن خالد، أو خالد بن علقمة، عن عبد خير قال دخل على رضي الله عنه الرحبة ثم قال لغلامه: «إيتني بطهور» فأتاه بماء وطست، فتوضأ فغسل رجله ثلاثاً ثلاثاً، وقال: «هكذا كان ظهور رسول الله ﷺ».

١٦٤ - **حَدَّثَنَا** حسين قال: ثنا الفريابي، قال: ثنا إسرائيل قال: ثنا أبو إسحق، عن أبي حية الوادعي، عن علي رضي الله عنه عن النبي ﷺ نحوه.

١٦٥ - **حَدَّثَنَا** علي بن شيبه قال: ثنا يحيى بن يحيى قال: ثنا أبو الأحوص عن أبي إسحق. فذكر بإسناده مثله.

١٦٦ - **حَدَّثَنَا** ابن مرزوق قال: ثنا أبو عامر قال: ثنا شعبة عن مالك بن عرفطة قال: سمعت عبد خير قال: سمعت علياً. فذكر بإسناده مثله.

١٦٧ - **حَدَّثَنَا** ابن مرزوق قال: ثنا عبيد الله بن عبد المجيد قال: ثنا إسحق بن يحيى عن معاوية بن عبد الله [عن عبد الله^(١)] بن جعفر عن عثمان بن عفان أنه توضأ فغسل رجله ثلاثاً ثلاثاً وقال: رأيت رسول الله ﷺ توضأ هكذا.

(١) انظر ص ٢٩ ومعاني الأخبار ص ٤٠٦.

همانطوری که ملاحظه شد، بر اساس روایات صحیحی که در منابع اهل سنت آمده است، پیامبر صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان علیه السلام پاهای شان را در وضو مسح می نمودند یعنی همان حکمی که به اعتراف برخی از علمای اهل سنت از آیه ششم سوره مائده به دست می آمد. شیعیان نیز بر اساس قرآن و به تاسی از این بزرگواران در وضو قائل به مسح پا هستند و شستن پاها را در وضو جایز نمی دانند.

در ادامه به نقد و بررسی روایات شستن پا در وضو می پردازیم.

ج: بررسی و نقد روایات شستن پاها

در مقابل روایات بالا، منابع اهل سنت روایات دیگری نیز از امیرمؤمنان، ابن عباس و عثمان نقل کرده اند که از شستن پاها در وضو حکایت دارند و عکس مطالب فوق اثبات می شود.

۱. روایات شستن پا توسط حضرت علی علیه السلام

روایت اول: از ابو حیه

ابن ابی شیبه کوفی می نویسد:

۵۴ حدثنا أبو الأحوص عن أبي إسحاق عن أبي حية قال رأيت علياً تَوَضَّأَ فَأَنْقَى كَفَيْهِ ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَذِرَاعَيْهِ ثَلَاثًا وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ ثُمَّ غَسَلَ قَدَمَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ثُمَّ قَامَ فَشَرِبَ فَضَّلَ وَضُوءَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ أُرِيَكُمْ طُهُورَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابو حیه می گوید: من علی [علیه السلام] را دیدم که وضو می گرفت، دو کف دستش را شست سپس سه مرتبه صورت و دستانش را شست و سرش را مسح نمود پس از آن دو پایش را تا بر آمدگی شست سپس برخاست باقی مانده آب وضویش را نوشید و فرمود: خواست من این بود که نحوه ی وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه وآله را به شما نشان دهم.

ابن ابی شیبه الكوفي، ابوبکر عبد الله بن محمد (متوفای ۲۳۵ هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج ۱، ص ۱۶، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ.

نقد روایت :

در نگاه اول، این روایت با روایاتی که در محور قبل بیان شد، در تناقض است؛ اما یکی از شرط های تناقض این است که هر دو روایت از نظر اعتبار در یک سطح باشند؛ اما در این جا بدین گونه نیست؛ زیرا روایات قبل از نظر سندی

معتبر بودند اما روایاتی که در ادامه می آید، علاوه بر این که مخالف با قرآن هستند از نظر سند ضعیف هستند. در این سند این روایت، یک نفر تضعیف شده است.

ابو اسحاق سبّعی:

این راوی را علمای رجال اهل سنت به «مدلس» (یعنی که کسی روایات را تدلیس می کند)، توصیف کرده اند؛ و با توجه به بار منفی که تدلیس دارد، نمی توان روایت او را مورد پذیرش قرار داد. مبارکفوری درباره مدلس بودن وی می نویسد:

ومن التابعین الذین کانوا موصوفین بالتدلیس معروفین به قتادة ... وعمرو بن عبد الله السبّعی.

از جمله تابعانی که به تدلیس توصیف شده و معروف بوده اند، قتاده ... و عمرو بن عبد الله (اسم ابو اسحاق

است) سبّعی بودند.

المبارکفوری، أبو العلام محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم (متوفای ۱۳۵۳هـ)، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۱، ص ۱۹، دار الکتب العلمیة - بیروت.

ابن ملقن نیز می نویسد:

وأبو إسحاق السبّعی کان مدلساً.

ابو اسحاق سبّعی مدلس بوده است.

الأنصاری الشافعی، سراج الدین أبی حفص عمر بن علی بن أحمد المعروف بابن الملقن، (متوفای ۸۰۴هـ) البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۶۳۴، تحقیق: مصطفی ابوالغیط و عبدالله بن سلیمان ویاسر بن کمال، ناشر: دار الهجرة للنشر والتوزیع - الریاض - السعودیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م.

مبارکفوری در چندین مورد، بعد از نقل روایت او تصریح می کند که وی مدلس بوده است:

قلت فی إسناده أبو إسحاق السبّعی وهو مدلس.

تحفة الأحوذی، ج ۳، ص ۷۰

در جای دیگر بر مدلس بودن او تصریح کرده و اضافه بر آن می گوید: در آخر عمرش خلط کرده است:

قوله (حدیث بن عباس حدیث غریب) و فی إسناده أبو إسحاق السبّعی وهو مدلس ورواه عن عبد الله بن سعید بالعنعنة

ومع هذا فقد اختلط باخره.

تحفة الأحوذی، ج ۳، ص ۵۱۳

عبد الله بن محمد اصفهاني بعد از نقل دو روايت از وي، مي گويد او بسيار تدليس مي کرده و روايتش را تضعيف

نموده است:

بعد دراسة إسناد هذا الحديث تبين أنه بهذا الإسناد **ضعيف** لأن فيه أبو إسحاق السبيعي مدلس مكثر من التدليس.

پس از بررسی سند این روايت، روشن ميشود که با این سند، روايت ضعيف است؛ زیرا در سند آن ابو اسحاق

سبيعي مدلس است و بسيار تدليس مي کرده است.

الأصبهاني، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حيان (متوفاي ۳۶۹ق)، أخلاق النبي وآدابه، ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۱۶، تحقيق: صالح بن محمد الونيان،

دار النشر: دار المسلم للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى ۱۹۹۸

و در جاي ديگر نیز همین عبارت را دارد:

بعد دراسة إسناد هذا الحديث تبين أنه بهذا الإسناد **ضعيف** لأن فيه علي بن عباس ضعفه العلماء وكذا أبو إسحاق السبيعي

مدلس وهو كثير التدليس ولم يصرح بالسماع.

بعد از بررسی سند، روشن شد که این سند ضعيف است؛ زیرا در سند آن علي بن عباس قرار دارد و علما آن را

تضعيف کرده اند و همچنين ابو اسحاق سبيعي مدلس است و تدليس او بسيار است ...

أخلاق النبي وآدابه، ج ۳، ص ۷۲

الباني وهابي که وهابيان از او به عنوان [محمد بن اسماعيل] بخاري دوران ياد مي کنند، در بحث سندي پيرامون

روايتي که ابو اسحاق سبيعي در سندش قرار دارد، چنين مي گويد:

قلت: وهذا إسناد ضعيف... أما الإسناد؛ فله علتان:

.... والأخرى: عنعنة أبي إسحاق الهمداني - واسمه عمرو بن عبد الله السبيعي -؛ فإنه مدلس أيضاً، وقد كان اختلط،

مي گويم: سند این رايت ضعيف است... اما ضعف سند آن دو جنبه اشكال دارد:

... اشكال ديگر، معنعن بودن روايت از ابو اسحاق است. [منظور از معنعن يعني راوي روايت را با لفظ «عن»

روايت را از راوي قبل نقل کرده و تصريح به شنيدن روايت نکرده است]، اسم وي عمرو بن عبد الله سبيعي است؛ زیرا او نیز

مدلس است و دچار اختلال حواس شد [روايت ها را تشخيص نهي داد].

الأباني، محمد ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، ۸/ ۳۰۴، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة

العربية السعودية، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م

حکم تدلیس نیز از نظر علمای اهل سنت روشن است. خطیب بغدادی اقوال علما را در مذمت تدلیس این گونه

آورده است:

قال شعبة بن الحجاج **التدليس أخو الكذب** ... سمعت شعبة يقول التدليس في الحديث **أشد من الزنا** ولأن أسقط من السماء

أحب الي من ان ادلس... وقال ثنا جدي قال سمعت الحسن بن علي يقول سمعت أبا أسامة يقول **خرب الله بيوت المدلسين** ما هم

عندي الا **كذابون**... حماد بن زيد يقول **التدليس كذب**...

شعبه گفته است: تدلیس برادر دروغ است. .. به نقل دیگر شعبه گفته است: تدلیس کردن در روایت، بدتر از زنا

است. اگر من از آسمان سقوط کنم برایم آسان تر است از این که تدلیس کنم. ابو اسامه می گفت: خداوند خانه های

مدلسین را خراب کند، در نزد آنها جز دروغ چیزی دیگری نیست. حماد بن زید می گفت: تدلیس همان دروغ است.

البغدادی، ابوبکر أحمد بن علي بن ثابت الخطيب (متوفى ٤٦٣هـ)، الكفاية في علم الرواية، ج ١، ص ٣٥٥، تحقيق: ابو عبدالله السورقي،

إبراهيم حمدي المدني، ناشر: المكتبة العلمية - المدينة المنورة.

علاوه بر تضعیف سند، بر فرضی که حتی روایت فوق معتبر باشد، با روایات صحیح دیگری که مسح پا را توسط

امیرمؤمنان علیه السلام بیان می کنند، در تعارض است.

روایت دوم: از عبد خیر

ابن ابی شیبہ روایت دیگری را در باره وضوی امیرمؤمنان علیه السلام چنین آورده است:

٥٥ حدثنا شريك عن خالد بن علقمة عن عبد خير عن علي قال تَوَضَّأَ فَمَضَمَ ثَلَاثًا وَاسْتَنْشَقَ ثَلَاثًا مِنْ كَفِّ وَاحِدٍ وَغَسَلَ

وَجْهَهُ ثَلَاثًا ثُمَّ أَدْخَلَ يَدَهُ فِي الرُّكْوَةِ فَمَسَحَ رَأْسَهُ وَغَسَلَ رِجْلَيْهِ ثُمَّ قَالَ هَذَا وَضُوءٌ (وضوؤ) نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

عبد خیر بن یزید از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است که ایشان وضو گرفت و سه مرتبه آب در دهان

انداخت و با یک کف آب، سه مرتبه استنشاق (آب در بینی) کرد. سه مرتبه صورت را شست و سپس دستش را داخل ظرف

آب برد و پس از آن، سرش را مسح کرده و پاهایش را شست و سپس فرمود: این وضوی پیامبر شما بود.

مصنف ابن أبي شيبة، ج ١، ص ١٦

نقد روایت:

همانطور که گذشت، به اعتراف علمای اهل سنت همچون «ابن حزم آندلسی» حکم خداوند در قرآن مسح کشیدن بر پاها است. بنابراین این روایت اولاً با قرآن در تناقض است و ثانیاً باروایت صحیح دیگری که از (عبد خیر) نقل شد، در تعارض می باشد زیرا در آن روایت تصریح شده بود که ایشان در وضو پای شان را مسح می کردند و روایات صحیح دیگری که نقل شده، نیز همین مضمون را تأیید می کند.

روایت سوم: از امام حسین علیه السلام

عبد الرزاق صنعانی روایت دیگری را از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است که امیر مؤمنان علیه السلام پای مبارک را در وضو شسته اند:

عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ أَصَدَّقُ، أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنٍ، أَخْبَرَهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: دَعَا عَلِيٌّ بِوَضُوءٍ فَقَرَّبَ لَهُ " فَغَسَلَ كَفَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَهُمَا فِي وَضُوئِهِ، ثُمَّ مَضَمَ ثَلَاثًا، وَاسْتَنْشَقَ ثَلَاثًا، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا، ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى إِلَى الْمِرْفَقِ ثَلَاثًا، ثُمَّ الْيُسْرَى كَذَلِكَ، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ مَسْحَةً وَاحِدَةً، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى إِلَى الْكَعْبَيْنِ ثَلَاثًا، ثُمَّ الْيُسْرَى كَذَلِكَ، ثُمَّ قَامَ قَائِمًا، فَقَالَ لِي: نَاوِلْنِي، فَنَاوَلْتُهُ الْإِنَاءَ الَّذِي فِيهِ فَضْلٌ وَضُوئُهُ فَشَرِبَ مِنْ فَضْلٍ وَضُوئِهِ قَائِمًا فَعَجِبْتُ، فَلَمَّا رَأَيْتُ عَجِبْتُ، قَالَ: لَا تَعْجَبْ، فَإِنِّي رَأَيْتُ أَبَاكَ النَّبِيَّ يَصْنَعُ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي أَصْنَعُ. ...

از امام حسین علیه السلام نقل شده است که علی علیه السلام آب وضویی خواست و آب را برایش آوردند. حضرت سه مرتبه دو دستش را شست قبل از این که وارد وضو شود.

سپس سه مرتبه آب در دهان انداخت، و سه مرتبه آب در بینی کرد و پس از آن سه مرتبه صورتش را شست و دست راستش را سه مرتبه تا آرنج شست و دست چپ را نیز همینگونه شست. و یک مرتبه سرش را مسح کرد و پس از آن، سه مرتبه پای راستش را تا بر آمدگی شست و پای چپ را نیز همین گونه شست و سپس ایستاد و فرمود: ظرف آب را به من بدهید. من ظرف آب را به حضرت دادم. از آب باقی مانده نوش جان کرد. من تعجب کردم وقتی تعجب مرا دید، فرمود: تعجب نکنید زیرا من پدرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را دیدم همین کار را انجام داد که من انجام دادم.

الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام (متوفى ٢١١هـ)، المصنف، ج ١، ص ٤٠، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، دار النشر: المكتب الإسلامي

نقد روایت:

این روایت هماننی روایت قبل، اولاً با قرآن در تناقض است و ثانیاً باروایات صحیح دیگری که از امیر مؤمنان علیه

السلام پیرامون وضو پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده است در تعارض می باشد.

۲. شستن پا توسط ابن عباس

از ابن عباس نیز روایتی نقل کرده اند که پایش را در وضو شسته است:

۱۴۰ حدثنا محمد بن عبد الرحيم قال أخبرنا أبو سلمة الخزازي منصور بن سلمة قال أخبرنا بن بلال يعني سليمان عن زيد بن أسلم عن عطاء بن يسار عن **ابن عباس** أنه توضأ فغسل وجهه ثم أخذ عرقه من ماء فمضمض بها واستنشق ثم أخذ عرقه من ماء فجعل بها هكذا أضافها إلى يده الأخرى فغسل بهما وجهه ثم أخذ عرقه من ماء فغسل بها يده اليمنى ثم أخذ عرقه من ماء فغسل بها يده اليسرى ثم مسح برأسه ثم أخذ عرقه من ماء فرش على رجله اليمنى حتى غسلها ثم أخذ عرقه أخرى فغسل بها **رجله** يعني اليسرى ثم قال هكذا رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يتوضأ.

عطاء بن يسار می گوید: ابن عباس وضو گرفت، صورتش را شست، سپس مشتی از آب گرفت دهانش را آب کشید و

آب در بینی کرد. سپس مشتی دیگری برداشت همین کار را انجام داد و بر دست دیگری ریخت و با دو دستش صورتش را

شست. پس از آن مشتی آب برداشت دست راست را شست و با کف آب دیگر دست چپ را شست. آنگاه سرش را مسح

کرد و کفی از آب بر پای راست ریخت تا این که او را شست و با کف دیگر آب پای چپ را شست. پس از اتمام آن گفت:

همچنین دیدم که رسول خدا صلی الله علیه وآله وضو می گرفت.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۵، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن

کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

پاسخ اول: تعارض این روایت با روایات ابن عباس پیرامون مسح در قرآن

ابن ابی شیبہ و ابن ماجه از ابن عباس نقل کرده اند که ایشان شستن پا را انکار کرده و مسح را موافق کتاب خدا

می دانند:

۱۹۹ حدثنا بن عُلَيْبَةَ عن رَوْحِ بنِ الْقَاسِمِ عن عبد الله بن مُحَمَّدِ بنِ عَقِيلِ عن الرَّبِيعِ ابْنَةِ مَعُوذِ بنِ عَفْرَاءَ قالت أَتَانِي بن عَبَّاسٍ فَسَأَلَنِي عن هذا الحديثِ تَعْنِي حَدِيثَهَا الَّذِي ذَكَرْتَ أَنَّهَا رَأَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ وَأَنَّهُ غَسَلَ رِجْلَيْهِ قالت فقال بن عَبَّاسٍ أَبِي النَّاسِ إِلَّا الْغَسَلَ وَلَا أُجِدُّ فِي كِتَابِ اللهِ إِلَّا الْمَسْحَ.

ربيع دختر معوذ بن عفراء می گوید: ابن عباس نزد من آمد و از این روایت سؤال کرد. مقصود ربیع این روایت بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله را مشاهده کرد که در وضو پاهای مبارکش را شسته است. ربیع می گوید: ابن عباس گفت: مردم جز شستن را انجام نمیدهند، در حالی که من در کتاب خدا جز مسح، حکم دیگری نمی یابم.

إبن أبي شيبة الكوفي، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفى ۲۳۵ هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج ۱، ص ۲۷، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ.
القزويني، ابوعبدالله محمد بن يزيد (متوفى ۲۷۵ هـ)، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۵۶، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر - بيروت. سند این روایت نیز معتبر است. آقای احمد بن ابوبکر کنانی بعد از نقل روایت می نویسد:

هذا إسناد حسن رواه ابن أبي شيبة في مصنفه.

سند این روایت حسن است که آن را ابن ابی شیبیه در کتاب مصنف خودش نقل کرده است.

الكناني، أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل (متوفى ۸۴۰ هـ)، مصباح الزجاجاة في زوائد ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۶، تحقيق: محمد المنتقى الكشناوي، دار النشر: دار العربية - بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۰۳ هـ.

از ابن عباس روایات دیگری نیز نقل شده است که ایشان قائل به مسح پا بوده اند نه شستن آن.

عبد الرزاق صنعاني روایت دیگر را چنین گزارش کرده است:

٤٥ عبدُ الرِّزَّاقِ، عنِ مَعْمَرٍ، عنِ قَتَادَةَ، عنِ جَابِرِ بنِ زَيْدٍ أَوْ عِكْرِمَةَ، عنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: " افْتَرَضَ اللهُ غَسْلَتَيْنِ وَمَسْحَتَيْنِ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ ذَكَرَ التَّيْمَمَ؟ فَجَعَلَ مَكَانَ الْغَسْلَتَيْنِ مَسْحَتَيْنِ، وَتَرَكَ الْمَسْحَتَيْنِ ". قَالَ مَعْمَرٌ: وَقَالَ رَجُلٌ لِمَطَرِ الرُّوَّاقِ، مَنْ كَانَ يَقُولُ الْمَسْحُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ؟ قَالَ: فَفَهَاءَ كَثِيرٌ.

جابر یا عکرمه از ابن عباس نقل کرده اند که گفت: خداوند متعال دو شستن و دو مسح کردن را واجب کرده است.

آیا نمی بینی که خداوند تیمم را ذکر کرده است؟ به جای دو شستن دو مسح را قرار داده و دو مسح را رها کرده است. معمر

گفته است: شخصی به مطر وراق گفت: چه کسی قائل به مسح پا است؟ گفت: فقهای زیاد بر این مطلب قائل هستند.

در روایت دیگر ابن عباس گفته است:

۵۵ عبد الرزاق عن بن جريج قال أخبرني عمرو بن دينار أنه سمع عكرمة يقول قال بن عباس الوضوء مسحتان وغسلتان.

عكرمه نقل کرده که ابن عباس گفت: وضو دو تا مسح و دو تا شستن دارد.

مصنف عبد الرزاق، ج ۱، ص ۱۹

پاسخ دوم: تعارض این روایت با روایت صحیح بالا

در قسمت شرح وضوی رسول خدا صلی الله علیه وآله در این نوشتار از طریق عطاء بن یسار به نقل از ابن عباس

بیان شد که آن حضرت پای مبارکش را مسح کرده اند؛ اما این روایت معارض، شستن را بیان می کند و با هم تعارض دارند. و

ثابت کردیم که این روایت توسط محقق کتاب تصحیح شده است.

از مجموع روایات ابن عباس، به دست می آید که رسول خدا صلی الله علیه وآله در وضو پاهای شان را مسح می

کردند.

۳. شستن پا توسط عثمان

از عثمان نیز روایتی نقل کرده اند که وی پایش را می شسته است.

۴۸۹ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يعقوب ثنا أبي عن بن إسحاق حدثني محمد بن إبراهيم بن الحرث التيمي عن معاذ بن

عبد الرحمن التيمي عن **حمران بن أبان** مولى عثمان بن عفان قال رأيت عثمان بن عفان دعا بوضوء وهو على باب المسجد فغسل

يديه ثم مضمض واستنشق واستنثر ثم غسل وجهه ثلاث مرات ثم غسل يديه إلى المرفقين ثلاث مرات ثم مسح برأسه وأمر بيديه

على ظاهر أذنيه ثم مر بهما على لحيته ثم **غسل رجليه إلى الكعبين**.

حمران بن ابان غلام عثمان بن عفان گفته است: من عثمان را دیدم که آب وضو خواست در حالی که او دم در

مسجد بود. دستانش را شست، آب در دهان کرد و استنشاق کرد. پس از آن صورتش را سه بار شست و سپس دستانش را تا

آرنج سه مرتبه شست و پس از آن سر خود را مسح نمود و دستش را بر گوشه‌های خود کشید و آن را به ریش خود کشید

سپس دو پای خود را تا کعبین شست.

مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۶۸

هیثمی بعد از نقل روایت، آن را رجال سندش را موثق می‌داند:

قلت رواه أحمد وهو في الصحيح باختصار ورجاله موثقون.

الهيثمي، ابوالحسن علي بن أبي بكر (متوفى ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ١، ص ٢٢٩، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي

- القاهرة، بيروت - ١٤٠٧ هـ.

نقد روایت: تعارض با روایات دیگر

این روایت، علاوه بر تعارض با قرآن، با روایات دیگر که در ابتدای مقاله ذیل عنوان «بررسی وضوی پیامبر صلی الله

علیه وآله»، به نقل از عثمان بیان کردیم، در تعارض است.

نتیجه کلی:

روایات صحیحی که از منابع اهل سنت نقل شد، ثابت می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان

علیه السلام در وضو پاهای مبارک شان را مسح می‌کرده اند. اما روایاتی که خلاف این مطلب را گفته اند؛

اولاً: اکثر آنها از نظر سند تضعیف شده اند؛

ثانیاً: بر فرض صحت سند، با قرآن و روایات صحیح دیگر در تعارض هستند و توان مقابله با آنها را ندارند.

ونکته مهم این که برخی از این روایات معارض، از یک نفر نقل شده است. همانند روایات حمران بن ابان که

وضوی عثمان را حکایت می‌کنند.

ثالثاً: همانطوری که گذشت، تعدادی از صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله از جمله امیرمؤمنان، ابن عباس، و تابعین

وفقهای بسیاری از اهل سنت قائل به مسح کشیدن بر پا بودند.

بنابراین، هر فرد مسلمان وظیفه دارد که طبق دستور قرآن، سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام عمل نمایند.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)